نامهٔ مردم
ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دورهٔ هفتم، سال دوم، شمارهٔ ۱۹۳
یکشنبه ۲۶ اسفندماه ۱۳۵۸ - تکشماره ۱۵ ریال

اعلامیه کمیته مرکزی
حزب توده ایران

دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین! کمیته‌های خود را در همه جا تشکیل دهید

اجرای فوری و همه جانبه قانون اصلاحات ارضی را طلب کنید

بدنبال اعلام رسمی تصویب قانون اصلاحات ارضی ازطرف شورای انقلاب، که توسط مقام رئیس جمهوری و مقام معاونت وزارت کشاورزی وخبرگزاری رسمی پارس تائید شد، ازیکسو موجی از امید و رضایت درمیان میلیونها دهقان بی‌زمین و کم‌زمین و کلیه نیروهای انقلابی ومترقی بوجود آمد وازسوی دیگر آتش مخالفت وتوطئه ازجانب مالکان بزرگ وکسانیکه بامنافع مستضعفان وترقی جامعه مخالف هستند، دامن زده شد.

اجرای دقیق، کامل وفوری قانون اصلاحات ارضی، مورخ ۸ اسفندماه ۱۳۵۸، موافق بامصالح انقلاب ورشد اقتصاد کشاورزی است، بامنافع میلیونها ایرانی زحمتکش مطابق است ورهنمودهای وگفته‌های **امام خمینی** درباره مالکیت ودرباره نقش مستضعفین درانقلاب نیز آنرا طلب می‌کند. این قانون باید هرچه قاطعتر و زودتر بمرحله عمل درآید واجرا شود.

اما نیروهائی که ازمالکان عمده الهام می‌گیرند، زیرلباس دلسوزی برای یك مشت «تولید کننده» اوبه‌بهانه اینکه برای همه کس درایران زمین هست وزیر نقاب اسلام‌نمائی وتظاهر به تقدس، حمله شدیدی راعلیه این قانون آغاز کرده‌اند. سخنرانی‌ها، نامه‌ها، فتواها، مقاله‌ها، دسایس پشت‌پرده، توطئه‌ها، مراجعات واعمال فشارها بسرعت سازمان یافته است. متأسفانه بنظر می‌رسد که این تشبثات به نتایجی هم رسیده و برخی ازمقامات مسئول وشخصیت‌های سرشناس، اصولا تصویب قانون را زیرعلامت سؤال نهاده و اجرای آنرا موردتردید قرارداده‌اند ویااز ضرورت تعویق آن صحبت می‌کنند.

تسلیم دربرابر این فشار یك چرخش خطرناك است. عدم اجرای فوری وقاطع قانون اصلاحات ارضی به زیان انقلاب است.

دهقانان زحمتکش ما، که اینهمه به تدابیر جمهوری اسلامی ایران چشم امید دوخته‌اند، بحق انتظار دارند انقلاب بالاخره داد آنها را ازمالکان غاصب وغارتگر بستاند وحق را به‌حقدار برساند و درمورد زمین تصمیم جدی اعلام شده را قاطعانه اجرا کند.

هرگونه تعلل یا تردید یا تعویق، پیامدهائی بدنبال خواهد داشت که مسئولان امر باید بادقت به آن بیاندیشند. نباید تسلیم فشارها و توطئه‌های بزرگمالکان و

بقیه در صفحه ۷

چرا اصل ملی شدن بازرگانی خارجی اجرا نمی‌شود؟

اقتصاد ورشکسته به‌ارث رسیده‌ازرژیم شاه‌مخلوع، باکوهی ازمشکلات روبرواست، که هنوز راه بیرون‌رفتی ازآن به‌چشم نمی‌خورد. گرانی بیداد می‌کند، کمبود کالاهای ضرور روزبروز مشهودتر می‌شود، بیکاری هزاران خانواده‌را باشرایط طاقت فرسایی روبروساخته است. کدبانوها درپی گوشت، پودررختشوئی، روغن‌نباتی، تخم مرغ ودهها مایحتاج‌عادی‌زندگی‌میگردند، بدون اینکه نتیجه‌ای بگیرند. دراین میان مسئولین امور، که اداره‌مملکت بدستشان سپرده شده، بجای اتخاذ تدابیر جدی برنامه‌ای برای خروج‌ازاین بن‌بست، فقط حرف تحویل مردم می‌دهند.

این که وزراء ورئیس جمهور مشکلات را بی‌پرده بامردم درمیان می‌گذارند، قابل تقدیر است. ولی‌این فقط یك‌روی مدال است. روی دیگرمدال شنیدن پیشنهادهای مردم، احزاب و گروههای سیاسی وانتخاب بهترین آنها برای تدوین وتنظیم برنامه‌های موثرجهت رویاروئی بامشکلات وگرفتاریهای مملکتی است.

متأسفانه بایدگفت که یکسال‌واندی پس‌از پیروزی انقلاب این‌روی مدال - بطور جدی مورد توجه دولت قرارنگرفته است. چه‌کسی از این بازار آشفته سودمی‌برد؟ بدون‌تردید ضد انقلاب که درکمین نشسته وازهرفرصتی برای واردآوردن ضربه به‌انقلاب استفاده می‌کند.

تورم، گرانی، بیکاری وکم کاری وهمه مشکلات دیگر، که این‌روزها در اطرافش سخن بسیارگفته ونوشته می‌شود، درمجموع فرعیات اصلی‌هستند که بعلل ناروشنی بدست فراموشی سپرده شده است.

دردید نخست چنین‌بنظر می‌رسد که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تاحدودی راه برون‌رفت ازمشکلات رانشان داده است. اما معلوم‌نیست بچه‌علت تاکنون مفاد قانون اساسی به‌موقع اجراء گذارده نمیشود.

برای نمونه اصل مربوط به ملی‌شدن بازرگانی خارجی رامثال میآوریم. در هفته‌های نخست پس ازتصویب قانون اساسی، مسئولین امورمسئله عدم آمادگی دولت رادراجرای این اصل‌پیش کشیدند. ولی ازهمان روزنخست‌روشن بودکه‌عدم امکانات بهانه‌ای پیش نیست. دولت به اندازه‌کافی کارمند وکارشناس بازرگانی‌دارد بانکهای تجاری آشنا به معاملات بازرگانی خارجی نیزدراختیاردولت است. دولت‌مؤسسات حمل ونقل وانبارهای عمومی راهم‌تحت‌کنترل دارد. ارزکافی نیزبرای واردات درخزانه‌دولت موجود است. پس در اینصورت ازکدام‌کمبود و عدم آمادگی سخن میرود؟

درمهرماه سال‌جاری، بانك‌مرکزی ایران سندی منتشرساخت که بسیار آموزنده است. در این سند وضع صنایع ایران طی‌گفتگوئی با مدیران وصاحبان مؤسسات صنعتی موردبررسی قرار گرفته است. اکثریت قاطع این آقایان علت کاهش تولید را درکمبود مواد اولیه، مشکلات مالی، گمرکی، اعتباری وحمل ونقل معرفی‌کرده وپیشنهادهائی نیز ارائه داشته‌اند. بنظرآنان دولت‌باید هرچه زودترتدابیرزیربرین را اتخاذ کند:

۱ــ ایجاد تسهیلات درثبت سفارش کالا. توضیح اینکه اکنون فروشندگان خارجی مواد اولیه، صددرصد بهای‌کالای موردسفارش رانقداً به ارزمیخواهند. صاحبان کارخانه‌ها بهانه عدم امکانات مالی خواستارآنندکه دولت راسا این تعهد را بگردن‌گیرد.

۲ــ ایجاد تسهیلات‌گمرکی برای واردات ومعمول‌کردن جایزه صادراتی و بازگشت سود بازرگانی وتسهیلات بازاریابی وغیره درزمینه صادرات.

۳ــ کاهش هزینه حمل‌ونقل.

این موارد بی‌اختیار دوران رژیم سابق را درخاطره‌ها زنده‌میکند. مگر درآن ایام جزاین بود؟ مگرکلیه این‌تسهیلات در خدمت سرمایه‌داران بزرگ قرار نداشت؟ آیا آنها توانستنداز تورم وسیرصعودی قیمت‌هاجلوگیری کنند؟ مگراقتصاد بیمار وعلیل کنونی نتیجه عملکرد آقایان سرمایه‌داران بزرگ‌نیست؟

درحال‌حاضر یکی‌ازکالاهای‌کمیاب‌دربازار روغن‌نباتی است. درسند بانك مرکزی ایران، که‌ما از آن یادکردیم، گفته میشودکه مالکیت بیش‌از سه‌چهارم‌کارخانه‌های تولیدکننده روغن نباتی ایران به‌بخش خصوصی تعلق‌دارد ودولت فقط‌مالك یك‌چهارم ازاین صنعت است و **«بدین لحاظ بخش خصوصی میتواند هرگونه اعمال‌نظر واجتهادی را درمورد این‌کالای ضروری اعمال دارد».**

تنظیم‌کنندگان قانون اساسی جمهوری اسلامی باتجربه‌اندوزی ازگذشته بود، که‌ملی شدن بازرگانی خارجی‌را درمتن آن‌گنجاندند. معلوم نیست بچه‌علت دولتی‌که میتواند وموظف است امورمربوط به‌بازرگانی خارجی‌رابرعهده بگیرد، بایسد تسهیلات‌گسترده‌ای برای مشتی سوداگر فراهم‌آورد تاآنها به‌روال‌سابق مانند زالوبه‌مکیدن آخرین‌قطره‌های‌خون‌زحمتکشان مشغول باشند.

پندار باطلی است، اگر تصور شود که در شرایط سیادت «اقتصاد بازارآزاد»، سرمایه‌دار ازکسب هرچه‌بیشتر سود چشم‌پوشی خواهدکرد. میگویند سرمایه‌وطن نداردوبه‌آنجاروی‌میآورد که امکانات بهره‌کشی ازتوده‌های زحمتکش فراهم باشد. گذشته نه‌چندان دور صحت‌این‌نظر را به‌ثبوت رسانده است. آزموده را آزمودن خطااست. باید هرچه زودتر وزارت بازرگانی خارجی برای اجرای تمام‌وکمال اصل ملی‌شدن بازرگانی خارجی تشکیل‌گردد.

مامعتقدیم‌که دولت‌باتحرك انقلابی‌میتواند درمدت‌کوتاهی این‌امر حیاتی را سازمان دهدو بدینسان نه‌تنها به‌خروج بی‌رویه ارز(درمواردی اعتبارات بازرگانی وسیله‌ای برای انتقال ثروت ازکشور است) پایان دهد، بل‌که کنترل انتقالات پولی وامور واردات وصادرات رانیز درمجرای صحیح‌ومعقول رشد اقتصادی‌قراردهد.

انتظار امریکا از ماموریت کمیسیون بین‌المللی تحقیق وادعای مقامات مسئول کشور درباره این ماموریت

ازآغاز تشکیل کمیسیون بین‌المللی تحقیق ومسافرت این کمیسیون به‌ایران، مقامات رسمی کشورورسانه‌های گرزمی، ماموریت این‌کمیسیون را **«تحقیق‌درباره جنایات شاه مخلوع وشرکت امپریالیسم امریکا دراین جنایات ومداخلات امپریالیسم امریکا درامور داخلی‌ایران‌در دوران رژیم سرنگون شده»** اعلام‌کردند، که برمبنای این حقیقت، پرونده‌جنایات‌شاه‌مخلوع، حمایت آمریکا ومداخلات امریکا درامور داخلی ایران‌تکمیل شود وبراساس آن‌شاه مخلوع وثروت های غارت‌شده بوسیله‌او به‌ایران بازگردانده شود. برزمینه این اقدامات، که ماموریت اصلی کمیسیون بین‌المللی تحقیق را باید تشکیل‌دهد، مسئله «گروگانها» وآزادی آنان مطرح‌خواهدشد.

امام‌خمینی، رهبرانقلاب ایران، دریکی از مصاحبه‌های خود حتی‌این‌مطلب راخاطرنشان کردندکه درصورت استردادشاه مخلوع واموال سرقت‌شده بوسیله او، «گروگانها»، که‌جاسوس‌هستند، بادرنظرگرفتن تخفیف دروضع آنان آزاد خواهندشد.

درپیام اخیر **امام** هم روی این‌مسئله‌تاکیدشد که«گروگانها» دراختیارمردم ایرانند و تنها مجلس شورای مسلی، یعنی نمایندگان این مردم حق دارند درباره آنها تصمیم‌بگیرند. بدین ترتیب نظر رهبر انقلاب درباره سرنوشت «گروگان‌ها» وهمچنین ماموریت کمیسیون‌بین‌المللی تحقیق کاملا قاطع، صریح‌وروشن بیان‌شد.

اما اکنون، پس ازشکست ماموریت‌کمیسیون بین‌المللی تحقیق ونظریاتی که درباره ماموریت این‌کمیسیون از جانب والدهایم، دبیر کل سازمان ملل متحد، ومقامات‌رسمی‌دولت‌آمریکا اظهارمیشود، معلوم‌میشودکه **اولا** والدهایم، دبیرکل سازمان ملل متحد، ودولت آمریکا برای این کمیسیون ماموریت کاملا دیگری رابرغم‌رهنمودهاونظر **امام‌خمینی** وخواست مردم ایران منظور داشته‌اند وهدف آنان از تشکیل این‌کمیسیون وماموریت آن‌مسئله «آزادی‌گروگانها» بوده است، کما اینکه درتمام اظهارنظرهای خبرگزاریهای آمریکائی، مصاحبه‌های والدهایم، دبیرکل سازمان ملل متحد، واظهارات مقامات رسمی آمریکا در مورد ماموریت این کمیسیون و عدم موفقیت آن‌یك‌کلمه هم درباره استرداد شاه‌مخلوع وثروتهای سرقت‌شده بوسیله اوسخن‌درمیان نیست و تنها مسئله ملاقات با گروگانها وآزادی‌آنان، برخورد رئیس‌جمهور و وزیرخارجه‌ایران نسبت به‌این مسئله، تضاد میان موضع دانشجویان مسلمان پیرو خط امام وحمایت امام خمینی‌از این‌موضع‌ازیکسو نیات‌وکوششهای مقامات مسئول دولتی ایران از سوی دیگرمطرح است. روزنامه نیویورك‌تایمزدراین‌باره‌مینویسد:

«بنی‌صدر نیازبه‌کمك دارد. رئیس‌جمهورایران‌همراه‌باآمریکا **و سازمان ملل متحد در امر گروگانها گول خورده‌اند و شورای انقلاب‌ضعف‌نشان‌داده و دانشجویان عامل دست کمونیستها شده‌اند.»**

همین روزنامه مینویسد:

«بنی‌صدردرمقابل‌آیت‌الله خمینی مقاومت میکند وبرای آرمانی مبارزه میکندکه‌موقتا آرمان امریکاست.»

روزنامه‌فیگارو، چاپ‌پاریس این‌نظررورنامه نیویورك‌تایمزرا باانتشار مصاحبه‌آقای بنی‌صدر تائید میکند. فیگارو مینویسد:

«بنی‌صدر اعلام کردادامه نگهداری گروگانهای سفارت آمریکا برای ایران بیشترمنبع ضعف‌است تایك‌کارت‌برنده.»

بنی‌صدر اظهارداشت: «بنظر **من‌نگاه داشتن‌گروگانهاکارت برنده‌ای برای ایران نیست، حتی ضعف‌هم ایجاد میکند»، زیرا این‌عمل مانع‌اقدام مادر سطح بین‌المللی برای ایجاد فضائی‌که بما اجازه اتخاذ سیاست بین‌المللی مستقلی از اروپا وتمام‌کشورهائیکه زیر نفوذیك ابرقدرت هستند، بدهد.»**

دولت آمریکا و والدهایم، دبیرکل سازمان ملل‌متحد، دولت ایران رادر رابطه باعقیم ماندن ماموریت کمیسیون متهم می‌کنند که‌تعهدات خودرا درمورد توافق هائیکه قبلا نموده، انجام نداده است. والدهایم دراینباره گفت:

«دولت ایران متعهدشده بوده‌که گروگانهای امریکائی را تحویل‌بگیرد واجازه دهد که‌آنها قبل‌از آزادی خود با اعضای‌کمیسیون گفتگوکنند».

والدهایم، روزچهارشنبه، پس از بررسی رویداد های اخیر در مورد کارکمیسیون اظهارداشت‌که او به‌مذاکرات مستقیم خود با ابوالحسن بنی‌صدر رئیس جمهور وصادق قطبزاده، وزیر امورخارجه، و همچنین مقامات‌واشینگتن ادامه خواهد داد وافزود: درصورتیکه دولت ایران برای اجرای مواردی از توافق، که به‌آن کشور مربوط است، آماده باشد، کمیسیون به‌ایران بازخواهد گشت. دبیر کل‌سازمان‌ملل‌متحددرمصاحبه‌ای باخبرنگاران‌درپاسخ به‌این‌پرسش که پشتیبانی مردم دررای گیری از رئیس‌جمهوری‌برای سازمان ملل متحد چه‌اهمیتی‌خواهدداشت گفت:

«هرچیزی که‌موجب‌تقویت موضع رئیس جمهورایران شود، مفید است.»

مقامات مسئول دولت‌آمریکا نیز درموردماموریت کمیسیون بین‌المللی‌تحقیق‌وشکست‌ماموریت آن، تنهاروی«آزادی‌گروگانها» تاکید میکنند و دولت ایران را درعدم موفقیت‌کارکمیسیون، یعنی درد آزادی گروگانها» مسئول میدانند و ایران را مورد تهدید قرار میدهند.

معاون رهبردمکراتهای‌سنای امریکا، خواستارتحریم‌اقتصادی وسیاسی از جانب‌همه‌کشورهای جهان علیه‌ایران شد. وی‌گفت با اختلاف نظرهائی‌که اخیرا بین دولت واشخاص غیرمسئول و غیر منطقی، که «گروگانها» را در اختیار دارند، بوجود آمده، وضع نامساعد «گروگانها» بیشترموردتوجه قرارگرفته‌است.

«ایاداکا، سناتور آمریکائی از حزب جمهوریخواه، اظهار داشت‌که ایالات‌متحده آمریکاباید تمام ایرانیان مقیم‌آمریکا را در اردوگاههائی نظیرآنچه‌طی‌جنگ جهانی دوم برای آمریکائیان ژاپنی‌الاصل ساخته بود، بازداشت کند!

بدین‌ترتیب روشن میشودکه درموردکمیسیون بین‌المللی‌تحقیق ومسئله‌آزادی‌گروگانهای‌جاسوس آمریکائی، دوبرخوردودوخط‌مشی متفاوت وجود دارد. رهنمود امام وموضع دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام وبرخورد و خط‌مشی مقامات‌مسئول‌دولتی، که‌بارهنمود-های امام خمینی و دانشجویان مسلمان پیرو خط‌امام مغایرت دارد، اما موردقبول وتأییددولت آمریکا ودبیرکل سازمان ملل متحد است.

در ضمن، بااینکه طی چند روزی که از عزیمت کمیسیون بین‌المللی تحقیق از ایران میگذرد، مقامات آمریکائی‌ودبیر کل سازمان ملل متحد در اظهار نظرهای خود بارها روی توافق های قبلی بامقامات مسئول‌ایران وتعهدات ایران درقبال‌ماموریت کمیسیون بین‌المللی تحقیق‌تأکید کرده‌اند، ازجانب‌مقامات مسئول وزارت‌امورخارجه‌وشورای‌انقلاب دراین باره اظهارنظر مشخص و روشنی بیان نشده است.

ولی سرانجام مردم ایران باید آگاه‌شوندکه مقامات‌مسئول دولتی مواضع خودرا، که‌درباره «گروگانها» وماموریت‌کمیسیون بین‌المللی تحقیق، با رهنمودهای رهبر انقلاب وموضع دانشجویان مسلمان پیروخط‌امام، که مورد تائید تمامی مردم ایران است، مغایرت دارد، چگونه توجیه میکنند؟

احسان طبری

ای خلق بپاخاسته، ازپا منشینید!

(غزل)

ای خلق بپا خاسته ، ازپا منشینید !
تا چیرگی روز خوش خویش ببینید
گر هر خزفی را هدف سهر نسازید
اندر صدفی بحر جهان در نبینید
در کینه نکوشید اگر پیرو عشقید
با دوست بجوشید ، اگر رهرو دینید
هرقوم که راه خردورزم و طلب رفت
با فتح عجب رفت : بیائید ! ببینید!
آن طرفه نهالی که دراین باغ نشاندید
چندان بشکیبید کزآن میوه بچینید
این طرفه نهالی است که آسان ندهد بار
گرگاه چنانید ودگرگاه چنینید .
گر غافل و گرجاهل و گربی‌خبرانید
گر بنده آزید و یا بسته کینید
یکبار ببینید که آن مرغ نکوفال
بگریخت ، دگر سودچه‌گرزار وحزینید .
دانم که عدوگرم کمین است و ندانم
آیا ز پی رزم شمامم به‌کمینید ؟
گر ننگ‌زمان را ز امان بهره نبخشید
با فخر بگویم که شما فخر زمینید
آن شیوه گزیدید که دشمن نپسندید :
این شیوه سزنده است، دگرره نگزینید !

اسفند ۱۳۵۸

در ۸ صفحه امروز:

آقای قطب‌زاده برروی کدام‌خط حرکت میکند؟ صفحه ۷

از روزهای رنج تاانقلاب خلق...
دیداری از نمایشگاه پرویز حبیب‌پور در تالار نقش صفحه ۵

کوره‌هایی که کارگران را پناه داده‌اند
دیداری از محل سابق کوره‌پزخانه‌های تهران که‌درآن ۵۰۰ خانوار درغیرانسانی‌ترین شرایط زندگی‌میکنند صفحه ۳

www.iran-archive.com

برقرار باد اتحاد همه نیروهای ضدامپریالیستی و دمکراتیك ایران در جبهه متحد خلق

مردم ایران از مبارزه مردم عراق و مصر به رهبری نیروهای مترقی و پیشروی این کشورها، علیه رژیمهای دیکتاتوری و ضدملی صدام حسین و انور سادات پشتیبانی میکنند

از چندی پیش رژیم دیکتاتوری صدام حسین در عراق، با هجوم مداوم به حقوق دمکراتیك مردم آن کشور، ماهیت ارتجاعی خود را تدریجا آشکار ساخت. این رژیم فتنه‌انگیزی و تحریکات علیه جمهوری اسلامی ایران را شدت داد، به آموزش خرابکاران، تجهیز و اعزام آنها به کشور ما دست زد، نیروهای مسلح خود را به تجاوزات مکرر بمرزهای زمینی و هوائی جمهوری اسلامی ایران واداشت. طبیعتا خلقهای ستمدیده عراق، که سالیان متمادی علیه سلطه امپریالیستهای استعمارگر، بزرگ‌مالکان و سرمایه‌داران عراقی وابسته به امپریالیسم مبارزه میکردند، و در این مبارزات پرافتخار خویش پیروزیهائی نیز بدست آورده بودند، نمیتوانستند درمقابل خودکامگی دولت بعثی عراق بی‌تفاوت بمانند. موج اعتراض وتنفر مردم رنج‌کشیده عراق علیه دیکتاتوری ضد خلقی بالا گرفت و هیجانات خلق به درگیریهای مسلحانه در نقاط مختلف کشور منجر شد.

در ماههای اخیر بویژه روستائیان نواحی کرکوك، سرشکان، پشدر، دربندیجان، قره‌داغ و سایر مناطق علیه مامورین جبار حکومت بعثی عراق دست به‌قیام‌هائی زده‌اند.

در نماز روز جمعه آقای علی‌نجفی بنام مردم عراق، درقسمتی از سخنان خود خطاب بمردم گفت:

«طبق آخرین خبر، اخیرا ۳۰ نفر در هبره، ۱۲ نفر مبارز در عمار، ٤نفر در بغداد و ۳۰ نفر در نجف اعدام شده‌اند. شما باید به برادران عراقی در حد امکانات کمك کنید. از راه افشاگری و پرده‌برداری از چهره این رژیم سفاك و مزدور (صدام) صدای این‌ملت ستمدیده را بگوش جهانیان برسانید.»

اکنون نیروهای مترقی عراق و درصفوف مقدم آنها حزب کمونیست عراق، که ضرورت تشکیل «جبهه واحد میهنی برای پایان بخشیدن به رژیم دیکتاتوری و برقراری نظام دمکراتیك» را در آنکشور مطرح کرده، پیکار ضد دیکتاتوری را سازمان میدهند.

رژیم خودکامه سادات در مصر نیز خط‌مشی سیاسی رهبر فقید مصر جمال عبدالناصر برای تامین آزادیهای دمکراتیك و استقلال ملی را فدای منافع تنگ‌نظرانه طبقات ارتجاعی وابسته به امپریالیسم، به سرکردگی امپریالیسم آمریکا، نمود. وی با امضای پیمان کمپ‌دیوید بمنافع خلق قهرمان فلسطین، بمنافع همه خلقهای عرب، بمنافع همه جنبش‌های رهائی بخش ضدامپریالیستی خیانت کرد.

گشایش سفارت اسرائیل در قاهره و برقراری روابط دیپلماتیك با دشمن سرسخت خلقهای عرب و همه نیروهای مترقی جهان، موج تنفر و اعتراض سراسر جهان مترقی، بویژه کشورهای عربی را بیش از پیش برانگیخت. ازجمله مخالفت گروهها، احزاب و سازمانهای مترقی مصر گسترش بیشتری یافته است.

ابراهیم شکری از رهبران مترقی مصر، که علیه رژیم سادات مبارزه میکند، اعلام کرد که امپریالیستها و صهیونیستها میخواهند مصر را از بقیه جهان‌عرب جدا کنند و کشورهای عربی را تضعیف نمایند. او متذکر شد که رژیم سادات، که فقط با حمایت آمریکا بر کشور حکومت میکند، درمورد بیت‌المقدس همه چیز را بـه صهیونیستها واگذار کرده است.

بگفته حجت‌الاسلام خامنه‌ای در نماز جمعه:

«انور سادات خائن و جبار مقدمات برافراشتن پرچم اسرائیل را در سرزمین مصر فراهم آورد و بهانه‌اش این بود که میخواهد صحرای سینا را پس بگیرد. ولی انور سادات صحرای سینا را گرفت، اما مصر را داد. این رذیلانه‌ترین معامله‌ایست که‌ممکن است یك زمامدار بکند.»

بجاست یادآور شویم که یکی از سران شورشیان‌افغانستان، ضیاء نصری، که ریاست عملیات «شورای انقلاب اسلامی و ملی افغانستان» را بعهده دارد و خود در کنفرانس سران دو کشور مصر و اسرائیل، یعنی همان «رذیلانه‌ترین معامله» حضور داشته، در مصاحبه با مجله آلمانی «اشپیگل»، رژیم سادات را «قویترین بالبات‌ترین و مهمترین کشور اسلامی» نامیده! وی در جواب خبرنگار مجله که: «آیا شما برای تشکیل یك جمهوری اسلامی به شکل ایران خمینی مبارزه میکنید؟» میگوید:

«ما یك سیستمی را بنا خواهیم کرد که در راس آن قانون قرار گیرد، نه فقیه!»

اکنون رژیم سادات ساعی است که مصر را بـه پایگاه امپریالیسم آمریکا در مبارزه علیه همه خلقها و نیروهای مترقی و انقلابی منطقه مبدل سازد.

مردم ایران از مبارزه ضدامپریالیستی و خلقی مردم عراق و مصر، علیه رژیمهای دیکتاتوری و ضدخلقی صدام‌حسین و انور سادات پشتیبانی میکنند. دولت جمهوری اسلامی ایران در همه زمینه‌های مناسبات خارجی خود این‌خواست جدی مردم کشور را باید در مد نظر داشته‌باشد.

بدون تفسیر

«دانشجویان‌مسلمان‌ومبارزی که لانه‌جاسوسی‌را اشغال کرده‌اند، با عمل انقلابی‌خودشان ضربه‌ای بزرگ‌بر پیکر آمریکای‌جهانخوار وارد نموده‌اند وملت راسرافراز کردند.»

ازپیام امام خمینی ـ مورخ ۴ اسفند ۱۳۵۸

«...اسم‌خودشان‌رامیگذارند خط امام، خط شیطان‌اند اینهایی که افشاء میکنند. آخه فلان‌فلان شده‌ها... بی‌شرف‌اند اینهائی که میگویند ما باآمریکائیها راه‌کج رفتیم و راه سازش رفتیم، اینهـا ضدانقلابند، مأمور همان آمریکا یاشوروی‌اند که میخواهنداختلاف بیندازند. اینها آخرش به امام هم می‌رسند، ازامام هم‌افشاگری خواهندکرد».

از سخنرانی‌آقای بازرگان در روز۱۹ اسفند در مسجد جامـع نارمك ـ نقـل از روزنامه «انقلاب اسلامی» ۲۱ اسفند ۱۳۵۸

حقوق کارگران «ایرفو» را ندادند، کارخانه را تعطیل کردند

کارگران کارخانه ریخته‌گری «ایرفو» در اجتماع خود در وزارت صنایع‌و معادن خواستار دریافت دوماه حقوق معوقه و سود ویژه سالیانه کارخانه شدند و نسبت‌به تعطیل کـردن ساختگـی کارخانه اعتراض کردند.

کارخانه «ایرفو» در کیلومتر سوم جاده ساوه قرار دارد وتولیدکننده انواع کالاهای ریخته‌گری از جمله انواع دیگ‌ها و شیرهای آب است. این کارخانه ۲۲۰نفر کارگردارد و از جمله سهامداران این شرکت، چندتن از رجال سیاسی کشور هستند.

کارگران این کارخانه برای دریافت سود ویژه سالیانه و دوماه حقوق عقب‌افتاده خود دیروز در وزارت صنایع و معـادن اجتماع کرده بودند. یکی از این کارگران به خبرنگار «نامه مردم» گفت:

«ما الان نزدیك به نو ماه است که حقوق نگرفته‌ایم و حالا که شب عید است، هیچ پول نداریم. از این گذشته کارفرمای ماناز سه هفته پیش برق کارخانه را قطع کرده و این موضوع باعث بیکارشدن ما شده است. البته او اینطور بهانه می‌آورد که پول برای پرداخت قبض برق ندارد، ولی انبار شرکت پر از جنس است و او اجازه نمی‌دهد که شرکت هیچگونه فروشی داشته باشد.»

در جلسه‌ای که دیروز نمایندگان کارگران با مسئولین وزارت صنایع و معادن داشتند، به آنها قول دادند که امروز حقوق عقب‌افتاده کارگران را بپردازند.

مشکلات دهقانان بندرگز

اخیراً رونوشت نامه‌ای بامضاء و اثرانگشت بیش از ۶۰ نفر ازکشاورزان بندرگز، واقع درشهرستان گرگان، خطاب به شورای انقلاب، ریاست جمهوری، وزارت کشاورزی وچندین‌مقام دولتی دیگر، به‌دفتر «نامه مردم» ارسال شده است. دراین نـامه کشاورزان باطرح مشکلات خواستار رسیدگی به‌مسائل خودشده‌اند عین عبارات دهقانان‌درنامه چنین است:

«برمسئولین واولیاء امورکشور جمهوری اسلامـی ایران واضح وروشن است که ما کشاورزان کشور، بعلت فشاریکه در دوران طاغوت براین طبقه رنجدیده، بخصوص این منطقه، وارد گردیده، ازهستی‌ساقط، بجزمبالغی قرض و به‌معاش روزمره به‌شدید ترین‌مضیقه روبروهستیم. اینك فصل کشت‌بهاره«سویا» فرا رسیده است، که احتیاج مبرمی‌به«بذرسویا» وکودشیمیایی داریم. شرکت دانه‌های روغنی در سالهای گذشته بهای بذررا با ۵۰٪ تخفیف وبهای کودشیمیائی راباه ۲۰٪ تخفیف بطورنقد ازماکشاورزان‌اخذ میکردند ومامجبوربودیم همین‌سویاررا سلف‌بفروشیم، تا بذر سویا وکود را نقدااز شرکت مذکور خریداری کنیم. باتوجه به‌گرانی هزینه زندگی وافزایش کارمزد وسایل مـاشینی جهت مخارجـات جاری‌کشاورزی، قیمت محصول «سویا» بانرخهای سالهای گـذشته مقرون به‌صرفه‌نیست وحتی زیان آوراست.»

سپس‌کشاورزان بندرگز درادامه نامه برای‌بهبود وازدیاد تولید وهمچنین کارگشائی درزندگی روزمـره خـود پیشنهادهـای خویش‌را به‌مقامات مسئول‌بشرح‌زیر ارائه داده‌اند:

۱ـ افزایش قیمت «سویا» تاکیلوئی ۴۰ریال، یعنی‌تعیین بهای عادلانه برای خرید ازتولید کننده.

۲ـ تحویل بذربا۵۰٪ تخفیف پرداخت بهای آن دار محصول.

۳ـ تحویل‌کود فسفات‌با ۲۰٪ تخفیف پرداخت‌آن دار محصول.

۴ـ تضمین خریدتمام محصول سویا تولید شده.

توجه به‌خواستها وپیشنهادهای کشاورزان بندرگز، هم‌بـه ازدیاد تولید وتامین بازارمصرف توسط محصول داخلی کشاورزی منتهی خواهدشد وهم‌تاثیری عمیق دربهبود شرایط زندگی آنـان خواهد داشت.

اخبار دهقانی

بهترین سند حقانیت ما دستهای پینه بسته ماست

گردهم‌آئی پرشور ۲۰۰۰ نفر از نمایندگان روستائیان استان مشهد تجسمی بود از اعتقاد و امید به‌آینده انقلاب.

روز سه‌شنبه ۷ اسفندماه، گروهی کثیر، متشکل از ۲۰۰۰ نفر نمایندگان شوراهای اسلامی روستاها، بدعوت جهاد سازندگی مشهد، درسالن ورزشی مشهد، جنب ساختمان جهاد سازندگی گرد آمدند.

دراین گردهم‌آئی روستائیان مشکلات ومسائل خودرا مطرح کردند وردرباره تولید کشاورزی به شور نشستند.

سالن ورزش مشهد غرق درپلاکاردهائی بود، که تمامی آنها زبانی گویا بود ازآگاهی ضدامپریالیستی روستائیان و خـواست حق‌طلبانه آنان برای بهبود زندگی وشرایط کار وتولید.

برروی بسیاری ازپلاکاردها دهقانان حمایت خودرا از رهبر انقلاب ودانشجویان مسلمان پیروخط امام، مستقر درلانه جاسوسی آمریکا اعلام کرده بودند. برروی یکی از پلاکاردهانوشته شده‌بود:

«وحدت ارگانهای انقلابی پیرو خط امام، ضامن خنثی‌کردن توطئه‌های امپریالیستی به‌سرکردگی آمریکاست».

جلسه گردهم‌آئی ازساعت ۹صبح آغاز گردید. روستائیان باشعار «دانشجوی خط امام، برتو درود، برتو سلام» وارد سالـن میشدند. فریاد روستائیان درحمایت از خط امام لحظه‌ای قطع‌نمیشد. قریب به یکساعت روستائیان با شعارهای پرشور خود فضای سالن راآکنده ازطنین مصمم خود علیه امپریالیسم آمریکا کردند. چهره‌های روستائیان تجسمی بود ازتصمیم، امیدواری ونگرانی برای سلامتی امام، رهبر انقلاب.

برنامه درساعت ۱۰ صبح، باتلاوت آیاتی چند ازقرآن‌شروع شد، که درآن‌ها ضرورت شوراها وحق. مستضعفان انعکـاس یافته بود.

درابتدا یکی ازاعضاء جهاد سازندگی سخنرانی کرد. اودر سخنان خود با سادگی و درستی تمام گفت:

«زمین ازآن‌کسی است‌که روی آن کار میکند وهرکس صاحب محصول کار خود است».

سپس قربانعلی بلوچ جنت‌آبادی، از روستای جنت‌آباد، شروع به صحبت کرد.

اودر سخنان خود گفت:

«من باکوله‌باری ازنیاز به‌اینجا آمده‌ام. بحرفهای من گوش کنید!

دهقانان! بایاری یکدیگر بکوشیم‌که برمشکلات پیـروز شویم. من ازمنطقه‌ای می‌آیم که باداشتن حدود ۳۰٫۰۰۰ جمعیت، از ابتدائی‌ترین امکانات بهداشتی ودرمانی وآموزشی بی‌بهره‌است. من از منطقه‌ای می‌آیم که گوئی مردمش ایرانی نیستند و این منطقه درایران نیست.

مااحتیاج به راهنمائی داریم. مااحتیاج به‌پول داریم، ولـی تاکنون هیچ کاری برای ما نکرده‌اند. مشکلات ما در این منطقه این است:

۱ـ آب خوردن شور است ودرتابستان نیز خشك میشود. ما بوسیله الاغ از دهات‌مجاور آب‌خوردن می‌آوریم. ما از آب‌کافی برای دامهای خود نیز بی‌بهره‌ایم.

۲ـ ازبرق ودکتر وبهداری اصلا خبری نیست. مریض های مابابد بمیرند ویااینکه منتظر بشوند تاکسی آنهارا بشهر ببرد. دراین منطقه یك بیمارستان وجود دارد، ولی این بیمارستان درواقع برای نمایش ساخته شده است. ازدکتر وپرستار درآن خبـری نیست. ما حتی حمام هم نداریم.»

اودر سخنان خود سپس اضافه کرد: «انقلاب ماانقلابی است که درجهت رفاه وآسایش مردم ودرجهت سازندگی برای ایجاد نظام عدل وبرابری انجام شده است. چراهنوز برای نابودی‌فئودالها هیچ‌کاری نشده است؟ چرا برای ما کار نمی‌کنند؟ چرا هنوز در عصر انقلاب همان قرطاس‌بازیها وجود دارد؟ امید ما به جهـاد سازندگی است! از پائین شروع کنید! از پائین بسازید!»

سپس نماینده روستای خواجه جراح شروع بصحبت کرد. اودر سخنان خود ازظلم وستم فئودالها سخن گفت. بعضی از روستائیان دراظهارات خود ازکمك‌های جهاد سازندگی بـرای مبارزه علیه فئودالها صحبت می‌کردند.

در پایان گردهم‌آئی قطعنامه‌ای از طرف شوراهای اسلامی روستاها تهیه وقرائت گردید.

در این قطعنامه آمده است:

ـ آمریکای وحشی وجنایتکار پس ازشکستهای پی‌درپی‌که ازملت مسلمان ایران خورده است، اکنون تلاش میکند باکمك عوامل سرسپرده‌خود در داخل‌کشور از رسیدن‌مستضعفین به‌حقوق واقعیشان جلوگیری کند. ما با ایمان و وحدت، همهٔ‌توطئه‌های سر-

خواهیم نمود.

ـ ما حمایت بیدریغ خودرا ازدانشجویان مسلمان پیرو خط امام، که فرزندان برومند امت اسلامند وبه گفته امام باشغال لانه جاسوسی آمریکا، ملت بزرگ ایران راسرافراز کردند. اعلام نموده وخواستار ادامه افشاگری آنها هستیم.

ـ از آنجاکه ایران‌عزیز ما امروز در محاصره‌اقتصادی‌شیطان بزرگ وطرفدارانش قرار گرفته است وبنابه فرمان امام، برهمه فرض وواجب است‌که برای رهائی‌ملکت ازوابستگیها کوشش کنند. مااز مقامات مسئول می‌خواهیم‌که برای بالا بردن سطح تولید ومبارزه باتوطئه فئودالهاکه ابزار وامکانات تولید را معطل گذارده‌اند، اجازه استفاده اززمینها وابزارآلات کشاورزی معطل مانده رابه محرومان روستا بدهند.

ـ ماتحریکات وسم‌پاشی های عوامل سرسپرده آمریکـا بخصوص فئودالها، مالکین غاصب وسرمایه داران پول‌پرست را علیه نهادهای انقلابی پیروخط امام منجمله جهاد سازندگی محکوم می‌نمائیم.»

جریان گردهم‌آئی نشان دادکه نمایندگان روستاهای مشهد سخن ازمسائل وخواستهای هزاران روستای استان خراسان و ایران گفته‌اند. درمباحثات این گردهم‌آئی، فقر وکمبودها، عدم دستیابی به‌زمین، آب وسایر وسایل کشاورزی، بعنوان بدیهی‌ترین نیازآنان عیان گردیده است.

همانگونه‌که ازمواد این قطعنامه پیداست، مبـارزه علیـه امپریالیسم جهانخوار آمریکا وایادی داخلی آن، بدون خلع‌سلاح کردن زمینداران وفئودالها، که ازعوامل فساد دوران سیاه گذشته بودند، غیرقابل تصوراست. اصلاحات ارضی دموکراتیك وواقعی، ایادی رژیم منحوس گذشته وپایگاه اجتماعی امپریالیسم را، که بصورت زمینداران وفئودالها ظاهر میگردند، خلع‌سلاح می‌کند و بادادن زمین بدهقانان تهیدست، زمینه بسیار عمیق ومستحکمی برای دفاع ازانقلاب ودستاوردهای آن بوجود می‌آورد. کشورمابدنبال اصلاحات ارضی میتواند طبق یك برنامه مشخص بمرحله شکوفائی اقتصادی برسد و از تولیدکنندگان‌مواد مصرفی و انحصارات‌غارتگر کشورهای امپریالیستی بی‌نیاز گردد. قانون اصلاحات ارضی، که ۸ اسفند ۱۳۵۸ به‌تصویب شورای انقلاب رسیده، باید هرچه زودتر وبصورتی هرچه قاطع‌تر اجرا گردد، تاگره اولیه وعملی ازاینهمه مسائلی که دربرابر کشورما وازجمله دربرابر کشاورزان

درگذشت تأسف‌بار یکی از دوستداران حزب‌ما

یکـی از دوستان حزب‌مـا **قدمعلی‌محمدی**، کارگر نقاش، روزچهارشنبه ۲۲ اسفند درگذشت.

قدمعلی‌محمدی، که‌باوجود بیماری در میتینگـ انتخاباتی حزب توده ایران شرکت کـرده بود، در جریان برگزاری ایـن مراسم، حالش به‌وخامت‌گرایید وبوسیله گروه امدادپزشکی‌حزب توده‌ایران‌به‌بیمارستان‌امام‌خمینی انتقال یافت. ولی باکمال تاسف معالجات موثر واقـع نشد واین دوست صادق حزب‌ما درگذشت.

ماضمن ستایش از وفاداری عمیق او به‌آرمان‌های حزب توده ایران، حزب طـراز نوین طبقه کارگر ایران این‌واقعه تاسف‌بار رابه‌همه بازماندگان ودوستان او صمیمانه تسلیت‌می‌گوئیم.

تلاش برای یافتن یك رفیق ناپدید شده

□ ازهمه‌کسانی‌که اطلاعاتی درباره یکی‌ازرفقای ناپدید شده حزب توده ایران دارنـد، طلب یاری میکنیم.

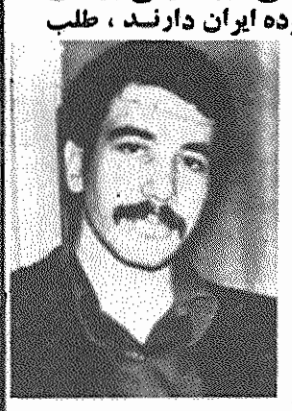

این رفیق، کـه **محمدعلی آزادی** نام‌دارد، ازروزعاشورای ۵۷ ناپدید شده‌است‌وتمام تلاشها برای یافتن او و یـا رد پایش، چه‌ازسوی‌رفقای حزبی‌وچه‌ازسوی خانواده‌اش، تاکنون‌بجائی نرسیده است.

وی توسط یکی از رفقـای «سازمان نوید»، بـا نام مستعار «خسرو»، با این‌سازمان ارتباط داشته است. این‌ارتباط باعلامت گذاری برقرارمیشده وهیچکدام ازآنها نـام واقعی یکدیگر را نمیدانسته‌اند.

آخرین تماس او بااین‌رفیق و «سازمان نوید»، تحویل یـك بسته ۲۰۰ عددی‌روزنامه«نوید» برای پخش درروزعاشورای ۵۷ بوده است.

وی‌دراوائل‌سال۵۷عضو«سازمان نوید» شده بود وتاآخرین‌روزی که‌قرار را اجراکرده،پیگیرانه وصادقانه تمام ماموریتهائی راکه به او محول شده، انجام‌داده‌است.

محمدعلی‌آزادی، متولد ملایرودارای‌شناسنامه‌شماره ۴۲۱ است ودیپلمه‌فنی‌است ودرکارخانه کاترپیلار تهران‌کار میکرده است براساس تحقیقاتی‌که انجام شده، او ازتاریخ ۱۲٫۹٫۵۷ در محل کارش نیزحاضر نشده وبه‌خانه‌ای هم‌که در آن زندگی میکـرده، مراجعه نکرده است.

ما از تمـام همکاران او در کارخانه کاترپیلارنیـزدرخواست میکنیم‌که اگر اطلاعات بیشتری درباره‌وی دارند، این‌اطلاعـات خود را دراختیار دبیرخانه‌کمیته مرکزی‌حزب توده‌ایران‌درتهران بگذارند. اگـر کسانی ساکن شهرستانها هستند و اطلاعاتی در باره این رفیق ناپدیدشده حزب توده ایـران دارند، میتوانـند اطلاعات خودرا دراختیاردفاتر حزب توده‌ایران درشهرستانهـا بگذارند تاکمکی شود به تلاش برای یافتن نشانه‌ای‌ازاین‌رفیق.

ضمنا بـراساس اظهـارات خانواده این رفیق، در دفاتـر گورستان بهشت زهرا نام‌وی‌ثبت نشده است وساواك وشهربانی‌نیز قبل ازپیروزی انقلاب، منکـر داشتن هرگونه اطلاعاتی درباره وی شده‌بودند.

رفقای حزبی! هواداران و دوستداران حزب!

اسنادحزبی(اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها و...) منتشره‌در «مردم» ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران‌را، با استفاده ازتمام‌امکانات، به‌وسیع‌ترین‌شکل تکثیر کنیدوبه‌توده‌های مردم برسانید. در شرایـط حساس‌کنونی این یك وظیفه مبـرم انقلابـی است.

خوانندگان گرامی میتوانند درخارج‌ازکشور بـه آدرس‌های زیـر بـا «مردم» مکاتبه‌کنند

فرانسه، Rigal Albert
BP 75160
75001 Paris
France

سوئد، Box 27730
27230 Stockholm

ایتالیا، Pci,Shams
Via G. Vincon, 46
Ostia (Roma)
Tel.6614922 (TUDH)

انگلستان، P O. BoX141
London, E 70 PR

قانون اساسی موقت افغانستان

قانون اساسی موقت افغانستان تادومـین سالگرد انقلاب بمورد اجراگذاشته می‌شود. در این‌قانون اساسی **حقوق‌وآزادی‌های اساسی** خلقها تامین‌شده است. این‌قانون اساسی بعـداً

کوره‌هایی که کارگران را پناه داده‌اند!

محلات فقر

■ در محل سابق کوره‌پز خانه‌های تهران، ۵۰۰ خانوار کارگری در غیرانسانی‌ترین شرایط زندگی می‌کنند.

■ کودک یک کارگر: دستکم بما پودر بدهند تالباسهایمان را بشوئیم.

■ برای ۲۰۰۰ نفر، نه‌آب هست، نه برق، نه‌حمام ونه هیچ چیزدیگر.

اینجا محل سابق کوره‌پزخانه های تهران است . در کیلومتر چهار شهرری (فدائیان اسلام) در ضلع غربی مرکز بررسی و تحقیق بیماریهای پوستی ، همانجا که کارگران کوره‌پزخانه اعتصاب کردند و رژیم سفاك آریامهری خون آنها را ریخت .

امروز دیگر از کوره‌ها خبری نیست . آنها را به هاشم آباد منتقل کرده‌اند. آنچه باقیست ، آلونك های محقری است که بیشتر از ۲۰۰۰ کارگررا در زمستان امسال‌هم مانند سال گذشته با بی‌آبی ، بی‌برقی و در میان گل و لای پناه داده است .

از پشت مرکز بررسی وتحقیق بیماریهای پوستی که می‌گذریم، لایه ضخیمی از گل سراسر خیابانها را پوشانده است . به محوطه سابق کوره‌ها نزدیك میشویم . در طرف راست ، آلونك‌ها ، این مهر و نشان‌تمدن آریامهری ، دیده میشوند.

در وسط محوطه نسبتا وسیعی، یك چاه دیده میشود که منبع آب مصرفی اهالی است .

این چاه در کنار چاه فاضل‌آب قرار دارد. منبع آب اهالی بهداشتی نیست ، ولی مردم بناچار آنرا مینوشند . در کنار چاه ، دو شیر آب لوله‌کشی کار گذارده‌اند ، هنوز رنگ آب را ندیده .

زنها چادرهایشان را به پشت گردن‌گره کرده‌اند وکالش های سیاه لاستیکی بپا ، و بالکن‌های پر از پخت از کوچه‌های باریك پراز گل می‌گذرند ، تا به چاه آب برسند . کارگری جوان ، با لباس کار ، به ما نزدیك میشود و کم و کیف زندگی را دراین محله شرح میدهد :

« دراینجا برق نیست ، آب نیست ، اسفالت نداریم ، نانوائی وقصابی نیست، حمام نداریم.»

از او سئوال می‌کنیم : آیا مسئولین تا امروز چه اقدامی برایتان کرده‌اند ، آیا به وضع شما رسیدگی میشود ؟ باناامیدی جواب منفی میدهد .

کارگر دیگری، که رسول عبدالهی نام دارد ، میگوید که درریخته‌گری کار می‌کند ،متاهل است و روزی ۶۰ تومان درآمد دارد . از وضع زندگی در این محل گلایه دارد و ازکمبودها و عدم رسیدگی مسئولین ، او میگوید :

«فقط بما آب بدهند و اینجا را اسفالت کنند ، ما چیزدیگری نمی‌خواهیم.»

خداوردی صفری کارگری است که باروزی ۵۰ تومان سه نفر را نان میدهد . اومی‌گوید که در اینجا ۵۰۰ خانوار زندگی می‌کنند . میگوید که‌خود اهالی برای گرفتن آب اقدام کرده‌اند . آنها با درآمدکمشان یك لوله آب برای اهالی کشیده‌اند. هر متر لوله کشی ۱۸ تومان برایشان تمام شده است ، ولی هنوز آب نیست .

میگوید :

«جمعیت اینجا اکثرا شهرستانی هستند . بعضی‌ها هستند که‌چهل سال است در این محل زندگی می‌کنند.»

در اینجا ۲۰۰۰ نفر در ۵۰۰ خانوار ، تنگ درکنار هم، چیزی را بنام «زندگی» در آلونك‌هائی کوچك بنام «خانه» می‌گذرانند . به‌منزلت انسانی در اینجا نگاه می‌کنیم . می‌بینیم که مهر «تمدن آریامهری» چگونه این منزلت را تاحد در قفر لولیدن پائین آورده است .

ابراهیم اشتر رستمی ،کارگر شهرداری ، با ۴۲ تومان وهفت ریال درآمد ، ۹ نفر را نان‌می‌دهد .

ده سال است که در این محل زندگی‌میکند و «دروازه‌های تمدن و رژیم آریامهری» را به چشم خود تجربه کرده است . میگوید که برای مردم محله خیلی دوندگی می‌کند . از جیبش دسته‌ای کاغذ درمی‌آورد و بما نشان میدهد : کاغذهای اداری . از او می‌پرسیم : آیا برای‌تهیه خانه به بنیاد مستضعفین مراجعه کرده است ؟

میگوید :

«برای خودم دوندگی نمی‌کنم ، تا زمانیکه به همه خانه ندهند ، دراینجا می‌مانم.»

دراین‌چهار کلام حرف ساده، چه دنیای بزرگی از همبستگی نهفته است.

او هم مانند دیگران ازشیوه توزیع مواد مصرفی‌شکایت دارد. میگوید :

«بما از طریق کوپن ، تاید و روغن میدهند . این خودش‌خیلی خوب است ، ولی مواد غذائی را به نسبت مساوی بین خانواده‌ها تقسیم می‌کنند و کثرت افراد خانواده را درنظر نمی‌گیرند.»

ابراهیم می‌گوید :

«ما در اینجا همه در خط‌امام هستیم ، ولی در ادارات ، آنها در خط امام کار نمی‌کنند ، بما نمی‌رسند . مردم برای حمام‌رفتن مجبورند به خزانه بروند که تا اینجا خیلی دور است.»

در حین صحبتهایمان ، مارا به‌خانه‌اش می‌برد .

کلبه کوچکی ، که دز آن ۹ نفر در کنار هم زندگی‌می‌کنند . بچه‌های قد و نیم‌قد دور ما را می‌گیرند . صفاوصمیمیتشان را بایك استکان چای جلو ما می‌گذارند .

بچه‌ها دور ما می‌نشینند . یکی از آنها که ده‌ساله است ، از خودش و مشکلاتش می‌گوید : در کلاس چهارم دبستان ، دریك کلاس ۴۲ نفری درس میخواند. میگوید هر روز نیم ساعت پای پیاده به مدرسه میرود . اگر گل و شل باشد ، راه طولانی‌تر می‌شود .

از او میپرسیم : در انقلاب چه کردی ؟

میگوید : شعار دادیم .

می‌پرسیم : چه شعاری ؟

می‌گوید : «درود بر خمینی، مرگ بر آمریکا !»

می‌پرسیم : چرا در ایران انقلاب شد ؟

می‌گوید: «برای اینکه وضع ما اینطوری که هست نباشد.»

می‌پرسیم : دولت برای شما چه کار باید بکند ؟

میگوید : «باید بوضع ما رسیدگی کند . بما خانه بدهد . اینجارا اسفالت کند. بما تاید بدهد تالباسهایمان را بشوئیم. بما بودجه بدهد تابوضع خانه مان برسیم.»

حرفها زیاد است وآنچه از چهره‌شان بوضوح‌میتوان دریافت، اینست که‌اینها‌به‌انقلاب امیددارند، صبر انقلابی دارند وانقلاب رااز آن خودشان میدانند.

اینجا دنیای دیگری است . دنیائی که سختی های آن را سخت‌میتوان‌درذهن‌مجسم کرد. آری، این واقعیت خیلی ساده است : اینها انقلاب کرده‌اند واز انقلاب توقع دارند.

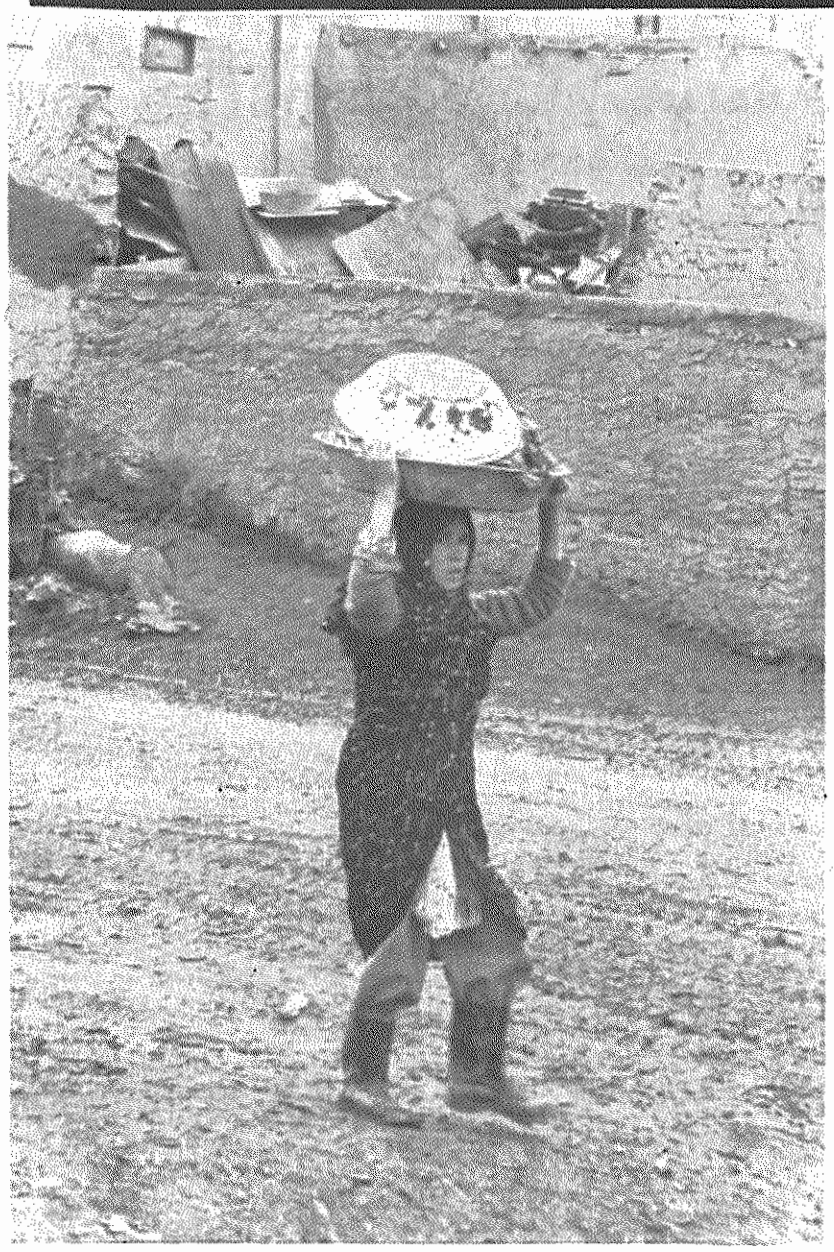

زنی‌درقلب تمدن بزرگ آریامهری، در ۲ کیلومتری تهران ، میرود تارخت وظرفش را در آب چاه بشوید

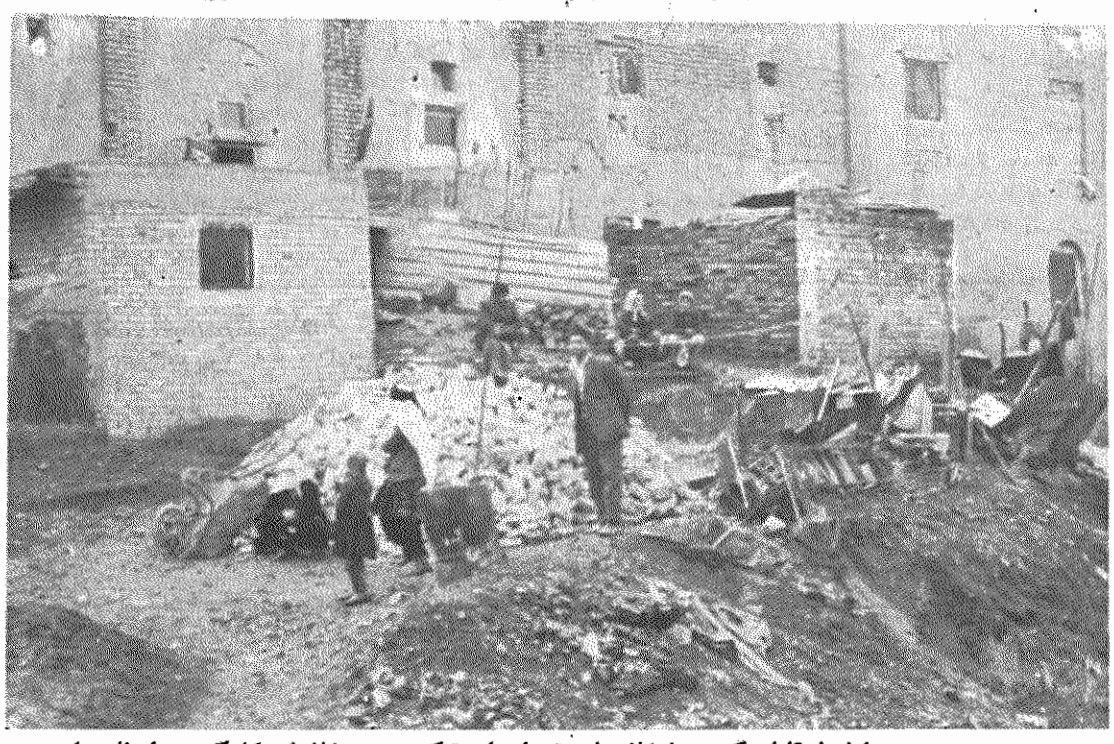

اینجا بقایای کوره پزخانه‌های تهران است که ۵۰۰ خانواده کارگری را پناه داده

کارگران کارخانه آردسفید کاملا حق دارند

اخبار کارگری

کارگران کارخانه آرد سفید (در جاده ارومیه ـ سلماس) با ارسال نامه‌ای به‌مدیریت اداره کار و امور اجتماعی آذربایجان غربی ، ضمن تشریح موقعیت کارخانه و مشکلات خود ، خواستار رسیدگی به مطالبات حقه خود شده‌اند.

کارخانه فوق‌الذکر شبانه روزی هفتاد و پنج‌تن ظرفیت تولیددارد. کارخانه ۲۶نفر کارگر دارد، که پانزده نفر روزها بطور رسمی مشغول کارند و یازده نفر بقیه نیز شبها کار می‌کنند. دونفر از کارگران شب‌کار استخدام رسمی‌اند و بقیه روزمزد . لازم به توضیح است که ۸ نفر از این تعداد ، از ۱۰ سال تا یکسال‌ونیم سابقه‌کار دارند .

ساعات کار این کارخانه برای نوبت روز ۷ صبح شروع و ۷ شب خاتمه می‌یابد . از ساعت ۷ شب نیز تا ۷ صبح روز بعد کارگران نوبت‌شب‌مشغول کارند . کارگران شب‌کار در طول ۱۲ ساعت کار طاقت‌فرسا حتی برای شام خوردن نیز حق ندارند دست از کار بکشند.

از نظر امکانات بهداشتی و ایمنی و رفاه کارگران ، کارخانه فاقد تمام وسایل‌وامکانات لازم محیط کار است . نه‌سالن غذاخوری داردو نه حمام . نه آب خوردن دارد ، نه دروپیکری سالم برای حفاظت کارگران از سرمای‌زمستان. با اینکه همگی کارگران از اطراف با پرداخت کرایهٔ ماشین به‌کارخانه می‌آیند ، کارخانه‌نه سرویس دارد و نه حق‌ایاب و ذهاب پرداخت میکند .

از نظر وسایل و ملزومات‌درمان سرپایی نیز یك جعبه کمك‌های اولیه وجود دارد ، که نوبت شب‌کاری درآنرا قفل میکنند وبدینصورت هرگونه امکان استفاده از وسایل درمانی به هنگام ضرورت ازکارگران سلب میشود .

ازکفش ودستکش ولباس کار واز حق مسکن وحق خواروبار وحق اولاد ودیگر مزایای قانونی خبری نیست. باوجود ۱۲ ساعت کار مداوم شبانه ، از هیچگونه غذایی جهت مصرف کارگران درکارخانه اثری نیست و از این جهت همه مجبورند غذای سرد همراه با آب آشامیدنی همراه بیاورند .

کارمزد کارگران غیر رسمی ، قبل از پیروزی‌انقلاب، درمقابل ۱۳ ساعت کارشاق و کمرشکن ، شبانه ۷۴ تومان بود ، که به ۷۰ تومان رسید . باوجود این کارگران هیچوقت در راه انقلاب از پای ننشستند و در اجابت و استقبال از دعوت رهبر انقلاب ، با وجوداعمال فشار فوق طاقت و تحمل انسانی کارفرما وفشار هزینه روزمره‌زندگی ، دندان‌روی‌جگر گذاشتند و برای حفظ وحدت و ازدیاد تولید و دایرکردن تمام دستگاههای کارخانه با حداکثر تولید، با اراده و پایداری تمام همیشه سرکار حاضر بودند .

اما کارفرما بعد از انقلاب نیز به قوانین مصوبه در دوران حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، که حداقل‌حقوق برای کارگران ساده تازه کارمبلغ ۵۶۷ریال اعلام میکرد، اعتنائی‌نکرد. ولی کارگران لب فرو بستند و منتظر استحکام و قدرت یافتن هرچه بیشتر انقلاب شدند .اکنون که با گذشت یکسال و اندی ، جوانه‌نوپای انقلاب میرود تابه درختی تناور تبدیل شود ، تمامی کسانی را که دل خوشی از آن ندارند، به خرابکاری واداشته است. کارفرمای کارخانه نیز چندی است کارخانه را هرچند روز یکبار تعطیل میکند ، تابه بهانه‌ای کارگران را ازکار بیرون کند . کارگران نیز با اصرار تمام خواستار اجرای موارد زیر بعنوان خواست‌های برحق وعادلانه خود هستند:

۱ ـ استخدام رسمی همگی ۹ نفرکارگر با احتساب سابقه‌کار ؛

۲ ـ پرداخت تمام حقوق و مزایای‌قانونی عقب‌افتاده برطبق مصوبات قانون اساسی ،

۳ـ پرداخت حق مسکن ،

۴ ـ پرداخت حق ایاب و ذهاب و یاتهیه سرویس برای رفت و آمد به‌کارخانه ،

۵ ـ تهیه غذاخوری با غذای گرم برای کارگران در محیط کارخانه ؛

۶ـ ساختن حمام برای شستشوی کارگران بعد از پایان کار ،

۷ ـ دادن لباس کار و کفش‌ودستکش،

۸ ـ ایجاد فروشگاه تعاونی و پرداخت‌حق خواربار ؛

۹ ـ پرداخت حق اولاد برای‌اطفال‌کارگران.

گرانی روزافزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می کند.

www.iran-archive.com

اخبار کارگری

۷۴ کارگر بیمارستان آذرتبریز:

چون از اتحادمان میترسند، میخواهند صدایمان را در گلو خفه کنند

■ کارگران می‌گویند: جلو چشممان به‌رهبر انقلاب، به‌امامان توهین‌می‌کنند و ما ازترس اخراج یارای اعتراض نداریم!

بیمارستان آذر یکی‌از بیمارستان‌های خصوصی وپردرآمد تبریز است، که‌توسط چند دکترسرمایه‌گذاری شده واداره میشود. دراین بیمارستان حدود ۷۴ کارگر در بدترین شرایط مشغول کارند.

کارگران‌می‌گویند،

دراین‌بیمارستان کسی‌حق کوچکترین اعتراض راندارد. کسی‌را یارای دفاع‌ازحقش نیست. ۱۲ ساعت کار روزانه دربدترین شرایط وآنوقت گرفتن ۸ساعت مزد. صدایت‌دربیاید اخراج می‌شوی. قبل‌از انقلاب وضممان بدتراز این‌بود. تاحرفی میزدیم یکی‌از دکترها، که برادرش رئیس کلانتری ۵بود، به آنجا تلفن می‌کرد وآنوقت ما بودیم ومامورین کلانتری. بعداز انقلاب فکرکردیم‌وضممان بهترخواهد شد البته حقوقمان از ۲۰۸ ریال به ۵۶۷ ریال رسید،که این در برابر گرانی موجود و کرایه سرسام‌آور مسکن بسیارناچیز است. بارها تاشروع به‌اعتراض‌کردیم بارکیک‌ترین فحشها مواجه‌شدیم،

«حرف‌بزنی چنان‌می‌زنمت‌که شکمت بترکد.» این‌حرف یك‌پزشك به کارگر است. آنان میخواهندشکممان رابترکانند، چرا؟برای اینکه کارگریم، برای اینکه یك‌عمر توسری خورده‌ایم، برای اینکه از اتحادما می‌ترسند وبه‌خاطر همین همیخواهند صدایمان رادرگلو خفه کنند.

چند روز پیش‌یکی از کارگران را، که یکبارهم بعنوان نماینده علی‌البدل کارگران انتخاب شده بود، به جرم دزدی‌اخراج‌کردند، ولی حقیقت غیرازاین است. این‌کارگر حق‌خود و۷۳ کارگر دیگراین بیمارستان را میخواست وکارفرما بابرونده سازی وتهمت وافترا تصمیم به‌اخراجش‌گرفت، زیرا نمی‌خواهند افکار دیگرکارگران «مسموم» شود!

کارگران از بیمه اجتماعی استفاده‌میکنند واکنون یکی از خواستهایشان بیمه درمانی است کارگران حق دارندوبایدازبیمه درمانی استفاده‌کنند. آنها دربیمارستان‌کار میکنند، جایی‌که بیش‌از ۳۰ دکتر رفت وآمددارند، و آنوقت باز بیمه درمانی می‌خواهند!

اگر در محیط بیمارستان حین کار آسیبی ببینیم، باز هیچ توجهی بهما نمیشود. اگر همین‌جا از پله‌ها بیفتیم و دست و پایمان بشکند، بایستی پول دوا ودرمان را خودمان بدهیم واگر هم خود ویا خانواده‌مان مریض شویم، دراینجا معاینه‌مان نمی‌کنند، باید به دکتر دیگری مراجعه کنیم واگرهم‌اینجامعاینه شویم، پولش را ازحقوقمان‌کسر میکنند. در اینجا حتی یك قرص هم بهما نمیدهند. چندی قبل زنی اینجاکار میکرد، که درحین آمدن‌به بیمارستان، زیر ماشین رفت وپایش شکست. دکترها معطل نشدند، نه‌تنها هیچگونه کمکی به‌این زن نکردند، بلکه همانروز اخراجش کردند.

راستی این‌کارفرمایان‌چطور جرات‌میکنند در مقابل اعتراض‌هرکارگری بگویند، «ازفردا سرکار نیا»؟ قانون‌کار رحمایت ازکارگر کجاست که ببیند دراینجا کارگران‌رابعداز چهارپنج‌سال کار به‌همین آسانی‌اخراج میکنند؟ اعتراض که میکنیم، فحش‌میدهند، میزنند، توهین‌میکنند ومیگویند: «برو حقت را از خمینی بگیر» و اگر زیاد حرف بزنیم، اخراج میکنند. آخر حرفمان‌را، دردمان‌رابه‌چه‌کسی بگوییم؟ اگراخراجمان کنند، با این‌سن‌وسال‌جایی‌برای پیداکردن‌کارنمی‌یابیم.

بیشتراین‌کارگران باحقوق روزی۸تومان، ازسالها قبل دراینجا مشغول بکاربوده‌اند، ولی اکنون در مقابل هراعتراضی به‌آنها، میگویند، «حقوقتان را زیادکرده‌ایم.»

درست است‌که روزی ۵۶ تومان حقوق میگیریم، ولی فکرش را بکنید. کارگر باید حداقل خرج‌چندسرعائله را بدهد، کرایه‌مسکن بدهد، گوشت‌کیلویی ۵۰ تومان است، حقوق‌یك روزمان راباید بدهیم تایك‌کیلوگوشت بخریم. گویا خوردن‌گوشت ومیوه برایمان حرام‌است!

دراین بیمارستان تخت‌خالی هیچوقت‌پیدا نمیشود. روزانه صدها هزار تومان سود عاید کسانی میشودکه بیشترشان طاغوت زده‌اند. چندتایشان طرفداربختیارخائن‌هستند ومجموعاً تبلیغ ضدانقلاب یکی از اهداف آنان است. پول برایشان همه‌چیزاست.

بعدازانقلاب‌شنیدیم که‌اینجاراهم‌می‌خواهند ملی بکنند. خوشحال‌شدیم وگفتیم‌لااقل‌استخدام رسمی می‌شویم، ولی متاسفانه‌خوشحالیمان‌سرابی بیش‌نبود. هیچ تغییری‌دروضممان صورت‌نگرفت وهمان افراد طاغوتی هنوزهم در رأس این بیمارستان هستند. طاغوتیانی که‌جلوی‌چشمانمان به رهبرانقلاب، به امامان توهین میکنند، فحش میدهند وما را از ترس اخراج جرأت دم‌برآوردن نیست. اینها همگی باید اخراج شوند، انقلاب باید این افراد راتصفیه‌کند، تا ما ومردم ازدست اینها راحت شویم.

مشکلات بسیار است. اکثرشان بدهکارند و ازدست بانکها دلشان پرخون است. کارگری میگوید،

«آیا میتوانم بااین‌حقوق بخورونمیر، ۵۰ هزارتومان قرض بانکی‌ام را بپردازم؟ روزانه ۲ساعت ازما اضافه‌کار می‌کشند، هیچوقت‌پولش را بما نمی‌دهند. پنج‌ماه‌که حقوق میگیریم، ده ماهش را بدهکاریم. بااین حقوق بخور ونمیرهم نمیگذارند ازحق حرف بزنیم. صدایمان‌درآید حقوقمان را دیرمیدهند...»

به‌هرکدام ۱۰۰ الی۲۰۰ تومان حق‌مسکن میدهند، ولی آنهامجبورند حداقل ۵۰۰ تومان کرایه یك اتاق توسری خورده محقر را، که حداقل۷ نفر درآن زندگی میکنند، بدهند و تازه دریك محیط دورافتاده‌که هرروز باید چندین تومان پول تاکسی بدهند تاسرکاربیایند وحداقل ۳ساعتی ازوقتشان را درراه خانه به بیمارستان تلف‌کنند. کارفرماهم‌که سرویس در اختیارشان قرار نمی‌دهد.

بعضی‌ازاین‌کارگران، که‌باشستشوی‌خونهای اتاق‌عمل، ملحفه‌های خونین ووسایل دیگر مشغولند، بعلت نداشتن حمام درخانه،مجبورند مبلغی‌هم بابت استحمام روزانه بدهند. قبلابه کارگران لباس‌کارمیدادند، ولی حالاآن را نیز قطع‌کرده‌اند.

ولی این‌کارگران بایك‌کوه درد، بایك دریاغم، چه عاشقانه از امام حرف میزنند وچه خالصانه از انقلاب‌دفاع‌میکنند. اینان‌باچشمانی اشکبار چشم به‌انقلاب دوخته‌اند.

شورای کارکنان شرکت «پلی اکریل» در برابر وظایف دشوار

وقتی در اواسط دیماه ۵۸ و در اوج‌گیری مبارزات مردم قهرمان‌ایران‌که علیه شاه خائن وسرمایه‌داران وابسته، کارگران شریف کارخانه پلی‌اکریل اصفهان با اعتصابات خود، علی‌رغم تلاش‌های مذبوحانه مدیریت امریکائی آن وعده‌ای سرسپرده به رژیم فاسد و ساواك، که میخواستند از اعتصاب کارگران‌جلوگیری کنند، ضربه مهلکی به‌امریکائیان و افراد وابسته به طاغوت وارد آوردند و آنها رامجبور به‌فرار از ایران نمودند، بیشتر افراد وابسته به رژیم سابق و طرفدار امریکا، که هنوز هم متاسفانه در دستگاه مدیریت کارخانه ریشه دارند، و گروهی ساده لوح تصور نمی‌کردند که‌این کارخانه بتواند بدون کارشناس و مدیر امریکائی براه بیفتد.

بعداز پیروزی انقلاب، کارگران و متخصصین صدیق این کارخانه تصمیم گرفتند چرخهای کارخانه رابدون کمك امریکائیان به‌حرکت درآورند. بدین جهت شورای موقتی ازبین خود انتخاب کردند. شورا دراوائل از فضای مناسبی که بعلت فرارامریکائیان و مخفی بودن سرمایه‌داران وابسته وساواکیها ایجاد شده بود، میتوانست حداکثر استفاده رابکند، ولی بعلت ترکیب نامتناسب اعضای شورا که فقط یك‌نفر آنها کارگر بود (اعضای شورا ۹ نفر بودند) و همچنین‌جان‌گرفتن‌طاغوتیان، فقط بعضی ازخواست‌های بحق کارگران را، آنهم با اشکالات و کمبودهائی، برآورده کرد.

کارخانه با بازوان توانای کارگران ومتخصصین ایرانی با تلاش‌های پیگیر شبانه‌روزی، علی‌رغم همه کمبودها براه افتاد و تولید را آغاز کرد. شورای موقت جای خودرا به اعضای شورای جدید، که در اواخر دی‌ماه ۵۸ انتخاب شدند، داد. شورای‌جدید از ترکیب بهتری نسبت به شورای قبلی برخوردار است، بدین ترتیب که از ۱۱ نفر اعضای شورا، ۵ نفر کارگر و تکنیسین، ۲ نفر سرپرست کارگر و ٤ نفر مهندس هستند.

کارگران می‌گویند: ما ضمن قدردانی از فعالیت‌هائیکه در جهت برآورده‌شدن خواست‌هایمان توسط شورای قبلی انجام گرفته است، از شورای جدید میخواهیم که‌هرچه زودتر به کمبودها و خواست‌های ما، چه‌مطالبات‌پیشین وچه مسائل کنونی‌مان، رسیدگی کند. کارگران کارنامه شورای قبلی را بجنبه‌های مثبت و منفی آن وهمچنین خواست‌های کنونی خود را چنین بازگو می‌کنند:

در مورد اقدامات مثبت شورای قبلی میتوان از: صورت‌برداری ازاموال کارخانه بمنظور جلوگیری از حیف و میل و دزدی، تسریع درفروش کالاهای انبارشده ونظارت برآن بمنظور پرداخت حقوق عقب افتاده کارگران در زمان اعتصاب، تلاش برای برداشتن مشکلات و موانع جهت راه‌اندازی دوباره کارخانه وجایگزین کردن هیئت عامل (مرکب ازنماینده کارکنان، نماینده هیئت مدیره، ونماینده دولت) بجای هیئت مدیره کارخانه، تعدیل حقوق کلان کارمندان ارشد از ٦۰ هزارتومان به ۲۰ هزارتومان، یکسان کردن سرویس رستوران برای همه کارکنان، برداشتن ممنوعیت عضویت باشگاه برای کارگران و تکنیسین‌ها، یکسان کردن سرویس رفت و آمد برای کارگران و کارمندان، حذف واسطه پیمانکار رانندگان سرویس رفت و آمد وبستن قرارداد مستقیم بانمایندگان رانندگان، ترتیب دادن جلسات‌سخنرانی، اخراج بعضی از ساواکی‌های خبرچین و غیره نام برد.

اینهااقدامات مثبت شورای قبلی‌بود. ولی همانطورکه‌گفته شد، این شورا برحسب ترکیب خاص خود بمرور پشتیبانی خود را ازکارگران کاهش داد و تحت نفوذ مدیریت و هیئت عامل قرار گرفت. بدین جهت بسیاری از خواسته های کارگران معلق باقی ماند.

درمورد اقداماتی که جنبهٔ منفی داشته وخواست‌هائیکه از طرف شورای قبلی به‌آن‌ها ترتیب‌اثر داده نشده است، میتوان از: برخوردسازشکارانه شورا بامسئله کارگران اخراج شده گروه پروژه، که تاقبل از اعتصابات ۵۷ بکار مشغول بودند و پشتیبانی ازکارفرما بجای کارگران(خوشبختانه کارگران باپیگیری خود توانستند بسرکار برگردند)، خواست کارگران و بعضی کارمندان مبنی برانتخابی بودن هیئت عامل باتوجه به ملی شدن کارخانه (هنوز یکی از اعضای هیئت عامل ازهیئت مدیره سابق است)، تصفیه کامل افراد طاغوتی و احیانا ساواکی که غالبا د پست‌های بالا باقی مانده‌اند و به‌انحاء مختلف درکار کارخانه کارشکنی‌میکنند، (بعنوان نمونه کوتاهی ازامر خرید مواد اولیه کارخانه (DMF)) تعدیل واقعی حقوقها متناسب با لیاقت و مسئولیت افراد، به یکسان نمودن خرج راه برای کلیه کارکنان، مسئله خرید مواد اولیه از تمام منابع ممکن بمنظور جلوگیری از خوابیدن کارخانه، اعلام ضوابط‌استخدامی‌افراد خصوصاکارمندان و منحل کردن بخش محرمانه، انتخاب صحیح افراد ذیصلاح و لایق برای پستهای مدیریت که مومن به انقلاب اند، محدود کردن دستگاه عریض وطویل دفتر تهران بمنظور صرفه جوئی و جلوگیری از حیف ومیل بیت‌المال وغیره، نام برد.

کارگران از شورای جدید انتظار دارند که هرچه زودتر به‌خواسته‌های فوق ترتیب‌اثر دهد و اقدامات لازم برای تحقق‌آن‌ها بعمل آورد.

نابسامانی در کارخانهٔ زرین‌ـ ملامین سمنان

کارخانه زرین ملامین سمنان، بدنبال‌اختلافات شخصی‌بین«پیروی» کارفرمای کارخانه و «خسروی» پسر رئیس کارخانه، دچارنابسامانی شدیدی شده است.

این اختلافات کارگران رادر خط‌اخراج شدن قرارداده است.

مدتی پیش خسروی دو تن ازکارگران جوان این کارخانه به اسامی «عرب» و «حسن‌صالحی» رابه‌این بهانه که «پیروی» آنها را استخدام کرده است، اخراج شدند. همچنین خسروی در صدد برآمد که ٤ نفر ازکارگران زن را (به بهانه کمبود مواد اولیه) اخراج کند، ولی با مخالفت شدید سرپرست شورا مواجه شد، و نتوانست در کارخود موفق شود.

در این کارخانه از کارگران اخراجی، رضایتنامه‌ای گرفته شد که: چون کارخانه مواد اولیه ندارد، آنها با رضایت خود از کارخانه بیرون رفته‌اند.

نگهبانان وکارگران معتقدند که بهانه کارفرما در نداشتن‌مواد اولیه و اختلاف بین «خسروی» و «پیروی» ساختگی است و آنها با این عمل قصد دارند ازپرداخت عیدی، سود ویژه و دیگر مزایا خودداری کنند.

کارگران زن که دارای‌سابقه کار هستند، در خطر اخراج‌قرار گرفته‌اند و کارفرما برای آنها نیز بهانه نداشتن مواد اولیه را مطرح کرده است.

به کارگران زن هنوز لباس کار داده نشده است وسرپرست شورای کارگران نیز با تمام کوششی که کرده، نتوانسته است برای تمام‌کارگران‌لباس‌کار تهیه کند.

عده‌ای از کارگران برای‌تهیه مسکن، از بانك تقاضای وام کردند، ولی کارفرمایان‌کارخانه، از امضای ورقهٔ تائید، که حاکی از کارکردن آنان در کارخانه باشد، خودداری کردند.

چندی بعد «پیروی» ومعاونش به تهران احضار شدند و دو نفر دیگر (مدیر عامل جدید ومعاونش) به‌جای آنها به سمنان فرستاده شدند وخسروی نیز پست کارفرمائی کارخانه را عهده‌دار شد.

خسروی هنگام معرفی مدیر عامل جدید و معروفش کارگران را تهدید به اخراج کرد و گفت: اگر کارگرانی باشند که خبرهائی را که در کارخانه رخ دهد برای روزنامه ها بفرستند وما از آنها مطلع شویم اخراج خواهند شد.

پس ازآمدن مدیرعامل جدید و معاونش، شرایط کار برای کارگران مشکل شده است و کارگران از مقامهای مسئول درخواست‌دارند تا به وضع‌نابسامان آنها و کارخانه رسیدگی کنند.

کارگران پیمانی شهرداری آبادان را رسمی کنید

چندی پیش کارگران پیمانی شهرداری آبادان در محل این شهرداری اجتماع کردند وخواستار پرداخت حقوق‌ماهیانه خود شدند. یکی از کارگران، که ۵۰ساله بنظر میرسید، می‌گفت:

«من ۸سر عائله دارم. رسمی نیستم، روزی ۵۰ تومان میگیرم. فقط روزی ۱۵تومان نان میخرم. شما حساب کنید برنج خورده‌ای راکه جلوی مرغ بریزی نمیخورد، کیلوئی ۱۱ تومان است. ازمیوه اصلا حرفی نمی‌زنم. سیب‌زمینی کیلوئی ۵۰ ریال. کرایه خانه و لباس و سایر مخارج را از کجا بیاورم؟ قبلا بماپول نمی دادند. میگفتیم خارجیها میخورند، حالا که اینهمه پول صرفه‌جوئی میشود ـ حقوق خارجیها، مخارج‌دربار و شاه وساواك واسلحه‌ـ این پولها کجا میرود؟ ماکه مفت نمیخواهیم، دست‌کم حقمان رابدهند.»

کارگر دیگری میگفت: «از فردای انقلاب به‌همه جا رفته‌ایم. دادگاه انقلاب، کمیته امام، بنیاد مستضعفین و... ولی هیچکدام بداد ما نرسیدند. همه میگویند یکماه دیگر، ۲۰ روز دیگر، هفتهٔ دیگر، ولی تاکنون هیچ کسی نکرده‌اند. ماچندین سال است‌که برای شهرداری کار میکنیم، ولی رسمی نیستیم. بیمه ومسکن وحق اولاد ومزایای دیگر هم نداریم.»

کارگر دیگری میگفت: «آخر برای ٤۰ تومان حقوق چقدر جان بکنیم؟ تازه الان ۸ روز از ماه جدید گذشته وخبری از حقوق نیست».

کارگر دیگری میگفت: «مگر ۸۰۰ تومان چقدر است؟ ۸ روز است مرتب می‌آیم اینجا. روزی۸ ساعت منتظر میشوم، تازه‌میگویند «خدانقلابی هستی، داری شلوغ میکنی»!

علاوه براینکه کارگران پیمانی شهرداری را رسمی نکرده‌اند و دستمزدهابهیچوجه تکافوی مخارج آنهارا نمیکند، همین حداقل‌راهم بموقع پرداخت نمیکنند.

اغلب این کارگران، خانه خود ویا نزدیکانشان در جریان سیل‌ویران شده وازفرط استیصال بجان آمده‌اند.

کارگران بازار مزایای قانونی خودرامی‌خواهند!

بدنبال دستور وزارت بهداری و بهزیستی مبنی بر عدم صدور دفترچه خدمات درمانی برای کارگران، موجی از نارضایتی و اعتراض در کارگران بوجود آمده است.

این عدم رضایت بویژه در منطقه بازار تهران‌ابعادگسترده‌ای دارد.

کارگران شاغل در بازار تهران نه تنها از داشتن دفترچه خدمات درمانی محروم‌اند، بلکه غالب آن‌ها متاسفانه بیمه نیستند.

کارفرمایان ببهانه های مختلف، از جمله زیاد بودن‌نرخ بیمه، از ارسال لیست پرداخت حق بیمه‌به سازمان تامین اجتماعی سرباز‌می‌زنند و بدین وسیله حقوق مسلم وقانونی کارگران رانادیده می‌گیرند. کارگران‌بازار درجلسه‌ای که چندی پیش با مسئولین امور کارگری وزارت کار داشتند، از مشکلات خود و ستم‌هایی که بر آن‌ها می‌رود، سخن گفتند و از مسئولین خواستند به قانون شکنی‌های کارفرمایان‌پایان‌دهند.

کارگران بازارمصرانه‌خواستار شوراهای صنفی هستند تا ضمن دفاع از حقوق کارگران ونظارت براجرای قوانین، اقداماتی درزمینه تشکیل تعاونی های تولید ومصرف وصندوق وام‌ضروری انجام دهد. این شوراها می‌توانند از افزایش بی‌رویه قیمت‌ها جلوگیری کنند کارگران می‌گویند: «ازطریق بازار می‌توان بمیزان قابل توجهی قیمت‌ها را کنترل کرد.»

قانون کار در کارخانه کردکوی گرگان اجرا نمی‌شود

کارگران کارخانه آرد «کردکوی» گرگان در شرایط نامساعدی کار میکنند. ازیکطرف کار روزانه‌دراین کارخانه ۱۲ساعت است، بدون دریافت اضافه‌کاری، از طرف دیگر دستمزد کارگران فوق‌العاده ناچیز است. مثلا انباردار این‌کارخانه، که۲۴ ساعته کار میکند، روزانه ۲۵۰ ریال مزدمیگیرد. کارگران بیمه نیستند وازدیگر امکانات‌رفاهی و بهداشتی نیز محروم هستند. کارگران درنامه‌ای که به‌اداره‌کار گرگان نوشته‌اند، خواستار رسیدگی به‌مطالبات صنفی خود شده‌اند.

خواستهای کارگران ازاین قراراست:

۱ـ دریافت حقوق عادلانه طبق قانون‌کار،

۲ـ بیمه‌کردن‌کارگران،

۳ـ دریافت کلیه حقوق و مزایای عقب‌افتاده (حق‌مسکن ـ حق‌اولاد ـ سودوغیره)

۴ـ تأمین امکانات‌بهداشتی ورفاهی برای کارگران،

۵ـ تشکیل شورای واقعی کارگری،

۶ـ تأمین‌سرویس‌رفت‌وآمد کارگران،

۷ـ استفاده ازمرخصی طبق قانون‌کار،

۸ـ کم‌شدن ساعات‌کار،

۹ـ بازگشت‌کلیه کارگران اخراجی به‌سرکار. ناگفته نماند که این‌کارگران بناحق و بزور بوسیله‌کارفرما اخراج شده‌اند.

وضع اسف‌بار کارگران کوره‌پزخانه‌های خاتون آباد

در خاتون آباد واقع در جاده تهران ـ سمنان حدود ۵۰ کوره آجرپزی وجود دارد. در هریك از این کوره‌ها ۱۰۰ تا ۲۰۰ کارگر کار میکنند. اکثر این‌کارگران روستاییان فقیری هستند که‌برای کار به شهرها مهاجرت میکنند. کارگران کوره پزخانه ها به چندین گروه (گلساز، قالبساز، قالب‌کش، دسته‌کن) بامزدهای مختلف تقسیم می‌شوند.

در هرکوره پزخانه برای تهیه آجرچندین مرحله طی میشود، که در هر مرحله، هر گروه‌از کارگران کارمشخصی‌انجام می‌دهند وبه تناسب کاری‌که انجام میدهند، مزد معینی دریافت میکنند.

اکثر این‌کارگران فصلی‌کار می‌کنند. این کار فصلی مورد سوء استفاده کارفرما قرار می‌گیرد. کارفرماها بخاطر استفاده بیشتر از کارگران ترجیح‌می‌دهند که دستمزد پرداختی براساس مقدار تولید باشد، یعنی متناسب با تولید خشت خام به کارگران دستمزد پرداخت میشود. کارگران نیز، که بعلت فصلی بودن کارمجبورندمایحتاج یکساله خود را دراین ٦ ماه تهیه کنند، با کار طاقت فرسا در روز تا ۱٦ ساعت کار میکنند. بخاطر کمی مزد این کارگران خانواده‌های خود را نیز بکار میگیرند.

این کارگران فصلی ازمزایای رفاهی چون بیمه شدن، حقوق بازنشستگی، سود ویژه، حق اولاد و نظایر آن محروم‌هستند.

این مسایل نیز بنوبه خود برای کارگران مشکلاتی رابوجودآورده است. کارفرماهانیزبرای‌نپرداختن حق بیمه و دیگر مزایا، هربار کارگران رادر کوره‌های مختلف به‌کار میکشند.

از دیگر سوء استفاده‌های کارفرماها، نحوه پرداخت‌دستمزد کارگران است. هرکارگر به ازای تهیه هزار خشت خام ۷۰۰ ریال دستمزد میگیرد. از این مبلغ ۱۰ درصد آن به‌جیب‌سرکارگر میرود. از طرف دیگر تعداد کارگران زیاد است و مقدار قابل‌توجهی از حق‌کارگران به این طریق نصیب سرکارگر میشود. این سرکارگران با کارگران همولایتی هستند وعموما از روستاهای خراسان به خاتون آباد می‌آیند. معمولا یك یاچند نفر واسطه و دلال طی تماس با طرف و کارگران از طرف دیگر، نیروی کار برای کوره‌ها راتامین میکنند، وعلاوه برآن، برچگونگی کار در کوره‌ها نظارت میکنند. مزد کارگران نیز از طریق‌همین واسطه‌ها (سرکارگران) پرداخت میشود. به این ترتیب کارگران به خرج خود مزد سرکارگر را میپردازندوکارفرماها نیزازدردسر استخدام کارگران و تضمین

ششمین شماره
دنیا
بزودی
منتشرمیشود

www.iran-archive.com

اتحاد کارگران، دهقانان، پیشه‌وران، بازرگانان و روشنفکران انقلابی، از نخستین وظایف دولت انقلاب است

در مطبوعات کشور

تائید همکاری «سیا» ـ ساواک

آسوشیتدپرس ـ کلمبیا انگلیس: ویلیام کولبی رئیس سابق سازمان جاسوسی آمریکا «سیا» ، که از ۱۹۷۳ تا ۱۹۷۶ در رأس دستگاه مزبور قرار داشت ، خاطر نشان ساخت که سازمان او دست در دست ساواک در ایران فعالیت داشته ، اما این فعالیت علیه اتحاد جماهیر شوروی بوده و در شکنجه‌های ساواک دخالتی نداشته است . او تاکید کرد که ساواک مردم ایران را شکنجه میکرده است ، ولی افزود که نمی‌دانم این شکنجه‌ها تا چه حد بوده است!

(کیهان، ۲۳ اسفند)

گروه حقوق بشر یکی از کانال‌های نفوذ آمریکا در ایران

گاهی تصور میشود، سیاست خارجی ازجائی آغاز می‌گردد، که سیاست داخلی پایان یافته باشد. این تصور غلط را که در آن سیاست خارجی وداخلی، چون دو حوزه متمایز ازهم اندیشیده میشوند، روند انقلاب اسلامی متزلزل ساخت، ودرمرحله دوم انقلاب که باشغال انقلابی لانه جاسوسی آغاز گردید، بنیادهای چنین نگرشی ویران‌شد و هنگامیکه توده‌های میلیونی فریادمیکشیدند بعداز شاه نوبت آمریکاست، شناختشان ازماهیت دخالت امریکا در ایران، چون‌زمان حال نبوده واگر درآنروزها برای مردم مطرح میشد که یکی از کانال‌های نفوذ آمریکا وتسلط مجدد آن برایران همین گروه حقوق‌بشر است، مردم نمی‌توانستند آنرا باور کنند. وحتی شاید برای‌بعضی از اعضای گروه حقوق‌بشر هنوز هم مشکل است، تا بپذیرند که آمریکا سخت به‌عملکرد آن ها دل‌بسته باشد. ولی اکنون فاش میگردد که سرجاسوس آمریکا، در ایران یعنی سولیوان، نفوذ ازطریق‌این نهاد را ظریفترین وجهه سیاست آمریکا در ایران میشمرد.

(جمهوری اسلامی، ۲۲ اسفند)

تداوم انقلاب باچهارچوب نظام گذشته

مسئولین امر در فردای‌انقلاب و سپیده دم آزادی که وارث فداکاریها و از جان‌گذشتگی‌ها و قهرمانی‌های مردم ستمدیده ایران بودند و ثمرات انقلابی را که‌به حق در میان مردم رشد کرده و با ماشین استبداد به مبارزه‌ای خونین کشانده شده بود درپیش روی خود داشتند ، نتوانستند بدرستی ارزیابی کنند وبا وجود اینکه خود بارها و بارها در خفا و آشکارا اذعان داشتند که در صحنه مبارزه از مردم عقب‌ترندو از نظر اندیشه نیز نمیتوانند مردم را نیك‌دریابند در صدد همراهی و همگامی برنیامدند .

مسئولین امر متوجه نبودند و اکنون نیز متوجه نیستند وقتی شعارمرگ برامپریالیسم‌ونابودباد وابستگی میدهند نباید از عوامل داخلی که در جهت وابستگی میاندیشند غافل باشند . انسان گاهی وسوسه میشود که عنوان کند خود اینان نیز باین شعارها ایمان بدارند وگرنه در جهت شناسائی امپریالیسم برمی‌آمدند که امپریالیسم در یك کشور خلاصه نمیشود . امپریالیسم آمریکائی ، آلمانی و فرانسوی وژاپنی ندارد همه آنها وابسته به هم و در جهت همدیگرند گاهی فکر میکنند فقط شرکتهای چند ملیتی هستند که‌نشانگرامپریالیسم و روشهای آنند ، غافل از آنکه امپریالیسم یك نظام است و یك نظام روشها وتاکتیك واستراتژی خاصی دارد و ریشه‌های آن در اندیشه‌ها و در اعماق مغز و فکر انسانها جای گزین شده است، تنها یك وجه امپریالیسم تسلط اقتصادی و ایجادوابستگی است.

وقتی که بمقررات نظام گذشته احترام میگذارید ، وقتی بیان نمی‌کنید که همه مقررات باید لغو گردد، مگرآنکه عنوان شود که فلان‌آئین‌نامه خاص فقط باید حفظ گردد ، این همان اقدام اولیه جهت وابستگی‌ها و تحکیم روابط آنست .

(مردم ایران، ۲۳ اسفند)

(آزادگان ـ ۱۲ اسفند۱۳۵۸)

محافل سازشکار سعی در حفظ نام امام‌خمینی و محو خط وی را دارند

جنبش مسلمانان مبارز در رابطه با ماموریت و ماهیت کمیسیون تحقیق در مورد جنایات شاه مخلوع اعلام کرد ملاقات این کمیسیون با جاسوسان امریکائی از قبل مورد توافق بوده و جزئی ازطرح بزرگ سازش میباشد.

دربخش دیگری‌از ازاین اعلامیه آمده‌است :

شورای انقلاب باید مسئولیت انتشار تمام صورت جلسات مذاکرات با والدهایم ونمایندگان امریکا و همچنین مذاکرات شورای انقلاب را درجلسه‌هائیکه سرنوشت جاسوسان مطرح‌شده است به‌عهده گیرد. باید تمام توده‌های بپاخاسته ایران ازتوطئه‌های پشت‌پرده و مذاکرات سازش گام به‌گام باامپریالیسم امریکا آگاه شوند . ملت قهرمان و مبارز ایران مصمم‌اند که نه فقط نام خمینی ، که خط حرکت و انگیزه‌های اصیل وی را حفظ کرده و ادامه دهند، درحالیکه محافل سازشکار سعی در حفظ‌نام و محو کردن خط وی رادارند . ما بخوبی میدانیم که جریانات سازشکار باوجود ضرباتی که در ماههای اخیر متحمل شدند ، بدلیل نفوذ و ریشه‌های عمیقی که در نهادهای جامعه‌دارند ، به تجدید قوا پرداخته بی‌پروا در پی تثبیت و توسعه قدرت خویش‌اند. ولی باآگاهی که‌مردم ما اکنون بامعیارهای خط امام و خصلت سازش‌ناپذیر وی دارند ، بطور قطع به‌مبارزه خود با سازشکاران مرتجع ، سرمایه‌داران وابسته و همه نیروهای وابسته به‌امپریالیسم و با همه فرصت‌طلبان ادامه خواهند داد و تاکسب آزادی واستقلال کامل و استقرار جامعه بی‌طبقه توحیدی از پای نخواهند نشست.

دیداری ازنمایشگاه نقاشی پرویز حبیب‌پور در تالار نقش :

از روزهای رنج تاانقلاب خلق...

اولین ملاقات: یکی از آثار پرویز حبیب‌پور ـ کارسال ۵۰

● زندگی و آثار پرویز حبیب‌پور گواهی براین واقعیت است که تنها یك هنرمند مردمی توان آن را دارد که به «واقع‌گرایان» بپیوندد

پرویز حبیب‌پور، کارهای رنگ‌وروغنی خود را بعنوان «از زندان قصر تاقیام» در درتالارنقش به نمایش گذاشته است. این نمایشگاه برخی‌ازآثار او را، از سال ۵۰ تا روزهای پیروزی انقلاب دربر می‌گیرد آثاری که ناگزیر واقعیات درگذر آن دوران رامطرح‌میکند از آن مایه میگیرد و چند و چونیش را به محاك می‌نشاند.

سه خط برجسته دردستمایه‌های آثارپیش ازانقلاب ـ بقول نقاش «قیام» ـ حبیب‌پور قابل پی‌گیری است:

ـ درون مایه‌هایی که از شرایط اختناق‌آلود آن دوران خبرمی‌دهد.

ـ دستمایه‌هایی که نشان دشواری کارمزدوری و استثمار و فقررا با خود دارد،

ـ سری کارهای « مناظر کویری».

حبیب‌پور برای تجسم بخشیدن به حکومت ترور و اختناق دوران سیاه پهلوی از «من ـ روایتی تصویری» یاری گرفته که‌بطورعمده وپیوسته‌درتابلوهای **نیمه‌شب، اولین ملاقات، خبر اعدام، ملاقات تلفنی و خداحافظی** بازتاب دارد . **امید** و **رویش** نیز، با پوشش نمادین، ازهمین زمینه سخن میگویند.

نیمه‌شب، که دربهمن ۵۴ نقاشی‌شده، نقطه آغازاین «من ـ روایت تصویری» است. دریك جمعه، پسر خانواده را حین خواندن‌جزوه‌های «مضره» دستگیر میکنند. اما بارعاطفی‌اثر، نه بر مبارزدستگیرشده، بغل، بردوش مادر اوست؛ پیرزنی تکیده و مبهوت که المسابهای اشك در چشمانش موج می‌خورد. این قطرات شفاف آبی ـ سفید، اما، بلافاصله تماشاگر را مطمئن می‌سازد که هرگز فرو نخواهند ریخت.

نیمه‌شب، سرفصل‌حکایتهای پررنج مبارزان در دوران دیکتاتوری است . اتفاقی که بی‌چون و چرا برای اکثر انقلابیون رخ داده واضطراب‌آلودترین لحظاتش ، آن اندازه آشناست که فضای‌گنگ و مبهم **نیمه‌شب** بیگانه.

همانطور که اشاره شد ، «تمامیت» این تابلودروجودمادر رنجور و تکیده جوان خلاصه می‌شود. احساس نیرومند این شخصیت تکنیك و رنگ‌آمیزی خاصی را طلب می‌کند . فضای یکنواخت‌آبی، با برشهای مدور سرخ وفضاهای منظم تقسیم بندی شده، رسانای شومی و دردآلودی اضطراب و ... حادثه نیست همچنانکه، اینهمه باآن لحظه از زندگی جوان دستگیر شده ، که فاجعه‌اش درشرف آغازاست، هم خوانی نمی‌کند، سیمای مادرتوان القای این مفهوم فاجعه‌آمیز را ندارد .

خطوط بی‌گفتگووشیارگونه که درنهایت از راه پرپیچ وخمی که با دشواری کوبیده شده، خبر می‌دهد، سادگی‌وقدرت طبیعی‌این شخصیت را بازنمی‌نمایاند.حالت مامورین، به هیچ روی‌گویای ددمنشی وقساوت آنسان نیست. مامورین **نیمه شب** فی‌الواقع «انسانهای متمدنی هستند که با ادب تمام وکمال از جوان مبارز برای ادای پاره‌ای توضیحات دعوت بعمل می‌آورند» . به این ترتیب قامت‌رسای جوان دستگیر شده‌ورنگ سرخ‌چرکتابی‌پیکرش، بی جلوه باقی می‌ماند، هرچند به نشانه پیروزی اخلاقی مبارز جوان بکاررفته باشد.

اولین ملاقات ، کارسال ۵۰، درفضای پشمی تاریکی، مبارزه‌طلبی پدر، تسلیم‌مادر، انتظارهمسر و بهت پسرکوچك زندانی غایب را نمایانگر است. در چشمهای متواضع مادر و نگران همسر ، رگه هایی ازبی‌باوری موج می‌خورد، بنظرمی‌رسد که‌مدتهاست‌از سرنوشت مبهم و مرموز پسرخود بی‌اطلاعند واکنون‌نیز تاحضورش را نبینند ولمس نکنند ، باور ـ نخواهندکرد. پس زمینه تابلواز پشمی تند به سیاه رسیده‌ای‌رنگ گرفته وخالی ازهرموتیفی است، تنها در حضور سنگین این چهار تن، بارشدید عاطفی اثرتمام‌می‌شود، که‌کمتر گویاست .

خبر اعدام ، اثری که در آذر ۵۰ نقاشی شده، درعین‌حال جوشش تاریخ برپوم‌است. دراین اثر، **حبیب پور** ، درپی ظواهر وجزئیات واضافات وقایع‌تاریخی نمی‌گردد .

همچنانکه این حوادث‌خونین، هولناکی خبود را چون ضربه‌ای قاطع، پیش‌روی‌تاریخ می‌گذارد، **حبیب پور** تاثیرآن را درقالب شخصیت یك‌فرد، یا افرادی چند متبلور می‌سازد . واکنش هریك ازاین شخصیتها عکس‌العمل یك دوره معین تاریخی‌است. بهت‌این وشگفتی‌آن، این چهره متفکر و آن سیمای نگران، در جمعی انگشت شمار، جمع شده زیر یك یك سقف که زندان‌است، درتعمیم خود، واکنش‌توده مردم، یك‌ملت ستمدیده است، که همه برستون محکم دست برزمین استوار شده مردی‌که ازپشت درمرکز تابلو نشسته، تکیه دارند . اوروبروی کسی است‌که خبر دردناك اعدام را با تاثر از روی روزنامه‌ای می‌خواند .

سازندگان ، **خندان‌کن‌ها**، **در خلیج** ، **نفتی** .... از سری کارهائیست‌که **حبیب پور** درآن ماهیت غارتگرانه بهره‌کشی‌وفقر را به‌قلم موی نقد می‌کشد. اوبا جانبداری از این **سازنده** ، از آن **خندان کن** و آن بومی دیگر... روابط و مناسبات حاکم دراین سیستم را محکوم می‌کندو وجوه تضاد موجود در این سیستم را مطرح می‌سازد .

سازندگان که دراسفند۵۴ نقاشی شده، چندکارگر ساختمانی را نشسته برپای ساختمانی سرـ بفلك‌کشیده، نشان می‌دهد.خطوط اصلی‌چهره ها بوسیله نورسرخی مشخص شده است .

عظمت ساختمان، در برابر فقر و بی‌توشی سازندگانش ، دوچندان جلوه دارد .

خندان‌کن ها ، که درسال ۵۵ آفریده شده بهره‌کشی‌بی‌امان ازکارگران مزارع پسته را، با تمامی ابعاد دردناکش، بادیدی انتقادی ، زیرعلامت سئوال قرار می‌دهد .

ودر **جستجو**، چند بومی‌که مشغول زیر و روکردن زباله‌ها، برای‌یافتن «چیزی» هستند، زیر نفت‌کش عظیم الجثه‌ای نمایانده می‌شوند...آبی نفوذ ناپذیربدنه کشتی، در تضاد با بنفش لباس جستجوگر بومی ، تاثیری مضاعف دارد. برخورد **حبیب پور** ، در این سری‌کارها، بمسئله تضادکمتر ریشه‌ای است . بنظر می‌رسد او بیشتر از پایگاهی « انسانی گرایانه»، سخن‌می‌گوید‌تاطبقاتی، به‌عنوان‌مثال، کارگرانی که‌**حبیب‌پور** به عنوان **نیروی** تحت ستم غارتگربهره‌کشی معرفی می‌کند، کارگرانی‌ساده‌اندوتا پرولترشدن راهی بس دراز درپیش دارند .

بهرحال **حبیب‌پور** ، با انتخاب درست‌مشکل‌هنری‌دوران واقع‌گرایی‌انتقادی که‌خاص‌مراحل انتقالی‌است، هشیاری وتعهدخود را نسبت به واقعیات ثابت میکند.

رودررو ، الله‌اکبر، صبح ۲۲بهمن درکوچه‌ها ، بابکها از سری‌کارهای بعد از انقلاب **حبیب‌پور** است.

بابکها، بزرگترین ـ ازنظر ابعاد ـ اثرحبیب‌پور ـ در آذر ۵۷ نقاشی شده . بابك ، این بزرگمرد انقلابی، از دوردست تاریخ، ازسلاله بدارآویختگان، سوختگان، به صلیب کشیده‌شدگان در رنگی‌سرخ پیش‌می‌آید. در مشتش پرچم همیشه افراشته آزادیخواهی‌است. دراین تابلو **بابکهای** انقلاب ما نیز همچنان سرخ ـ کارگر، روستایی،روحانی زن، دانشجو.... به استواری بابك تاریخ دربرابر لوله‌های آماده به شلیك تانك‌ها وتوپ‌ها ومسلسل‌ها، که چون اژدهایی بر گنج‌شوم‌وطلسم‌شده «زربفت‌پوشان» و «مروارید بس‌ان» پاسداری میکنند، به محاك کشیده شده‌اند. آنها، بی‌باك دربرابر «معتصم»ـ های روزگاروعمالشان می‌ایستند شکنجه میشوند و به شهادت میرسند ، از «خون خویش روی سرخ می‌کنند» تا نگویندزویشان «ازبیم زرد شده».

سراب، که درسال۵۷ نقاشی شده، از لحاظ مضمون درست در نقطهٔ مقابل **بابکها** قرار دارد . **سراب** در رد ونفی نقش مترقی مذهب آفریده شده...

حبیب پور دراین اثر، به‌چنین اهرم‌معنوی برانگیزاننده، که درطول تاریخ ما ـ بویژه ـ نقش‌مثبت وسازنده خودرا بارها به‌اثبات رسانده، بی‌اعتناست و یکسره‌آن‌را بی‌اعتبار می‌سازد. درحالیکه در **بابکها**، ازشخصیتی الگو می‌گیرد وبه‌تجلیل شخصیتی می‌پردازدکه تحت لوای مذهب‌و با این پوشش، یکی ازعظیم‌ترین جنبشهای اجتماعی پس ازتسلط عرب‌را بمدت ۲۰ سال رهبری کرد. روشن است‌که نقش موثر مذهب درپاخیزی طبقه محکوم، دربرابرطبقه حاکم انکارناپذیر است. تاریخ ایران‌گواه صادقی براین مدعاست.

بنظرمی‌رسدکه **حبیب پور** درپرداخت **سراب** بیشتریکسویه نگر بوده است وپدیده‌ای بنام «مذهب» را همه جانبه مورد ـ بررسی قرارنداده است.

بهرحال **پرویز حبیب پور** ازآن دست نقاشانی است که با احساس‌مسئولیت‌ومتعهدانه به‌هنر ونقش‌آن دراجتماع برخوردکرده ومی‌کنند. زندگی و کارهای او همچنین‌گواهی‌براین واقعیت‌است که تنها یك هنرمند مردمی می‌تواند . در عرصه هنر به جی‌گه «واقع‌گرایانه» بپیوندد .

... و امام می خروشد

اشك شوق باز هم در چشمهایت جمع می‌شود که پس از بیماری امام باز هم شعار وحدت میدهد و از اینکه دشمن واقعی را فراموش نکنید که بزرگترین ضربه‌ها از اوست . و پس ازاین پیام از خودت شرمنده میشوی که چرا باید این حقیقت رافراموش کنی‌که دانسته و یا ندانسته سعی درپوشاندن این واقعیت‌نمائیم و باهزار نیرنگ و سفسطه بازی کوشش شود که حرکت ضد امپریالیستی و انقلابی خلقی که بارهبری و آزمون‌های امام خود سعی درپرانداختن وبباد دادن ریشه های گندیده استثمار پنجاه ساله آمریکای کثیف و ایادی‌داخلی‌آن‌نموده‌اند با اشکال مختلف سد نمائیم . و باز همان‌طور که بکرات از طرف امام امت خمینی بتشکن و روحانیون مبارز و رسانه‌های گروهی اشاره شده که همین جوانان و همین توده‌های پابرهنه بودند که شاه کثیف و دیگر سرسپردگان آمریکای‌جنایتکار رابه فاضلاب تاریخ‌سپردند. باز متاسفانه از زبان افرادی که اصولا درد طبقه زحمت‌کش و پابرهنه‌ها را حس نکرده‌اند و نمی‌توانند هم حس‌کنند میشنویم که «چرا این جوانان با شخصیت افراد بازی میکنند؟» ، «چرا به‌کسانی‌که همیشه درخط مبارزه و انقلاب بوده‌اند تهمت می‌زنند» چرا ، چرا ؟

که البته معلوم است چرا ، باید این چنین ازافشای حقایق بوحشت بیفتند ، زیرا که اگر دست آمریکا بکلی از همه‌چیز ما قطع گردد و ملت‌زجر کشیده‌ایران را بحال خود واگذارد، طبعا این‌آقایان بایدبفراموشی سپرده شوند واینجاست که انگشت روی تفسیر خط امام می‌گذارند که خط امام باید صداقت،شرافت، قاطعیت و... و داشته باشد و در آخر هم نتیجه میگیرد که این دانشجویان پیرو خط‌امام و این فرزندان پاك انقلاب دارای این خصوصیات نیستند و تنها این آقائی که یکمرتبه بعد از انقلاب واردگود شده قاطعیت ، شرافت ، صداقت دارد . زهی بیشرمی (شاید معنی قاطعیت از دیدایشان شارلاتانی و معنی صداقت هم سفسطه‌بازی و شرافت هم حمایت ازیك مشت افرادی است که بعد از اینکه امام فرمودند کمیسیون باید نظر خود را مبنی بر جنایات شاه و دولت آمریکای کثیف اعلام نماید ، یکمرتبه‌بدستور اربابان خرد ایران را ترك میکنند و رهسپار دیار خود میشوند(این است معنی صداقت و شرافت و قاطعیت از نظر ایشان !!

(آزادگان، ۲۲ اسفند)

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» درنظرداردعکسهای تمام‌مبارزانی‌راکه‌دردوران‌سلطنت ننگین ومنفورخاندان پهلوی در راه‌آرمانهای ملی‌ومیهنی‌وانسانی خود بشهادت‌رسیده‌اند،جمع‌آوری کند. ازهمه‌میهن‌دوستان‌وآزادی‌خواهان تقاضامیشودکه هرعکسی از این مبارزان شهید دارند، به دفتر «مردم» مراجعه کنند.

باسپاس ـ «مردم»

تشکل کارگران درانجمن‌های صنفی (سندیکایی) ضرورت انقلاب ایران است

نقابها و چهره‌های مزدوران

در هفته‌نامه «عصر جدید» چاپ اتحاد شوروی، مقاله‌ای تحت این عنوان، درباره رویدادهای افغانستان انتشار یافت. در این مقاله آمده است :

«انقلاب در افغانستان ، راه تحولاتی را که از دیرزمانی در بطن جامعه نطفه می‌بست، گشود. این انقلاب ضربه مرگ‌باری بر منابع اقتصادی‌اقلیت‌ممتاز و مستبد وارد آورد . و طبیعی است که با مقومت ارتجاع داخلی و سهس‌مداخله مستقیم محافل امپریالیستی، که اینگونه تحولات اجتماعی رابمثابه«توطئه کمونیستی» و «خطری برای تغییر تناسب نیروها در عرصه جهانی » می‌بینند ، روبرو شد .

در نخستین ماه‌های پس از انقلاب آوریل ، مالکان و بخشی از سران مرتجعین بعضی از قبایل و روحانی‌نمایان و مباشران انحصارهای خارجی درانتظار این بودند که رژیم جدید در مقابل عقب ماندگی و جهل و خرافاتی که از دوران گذشته به ارث رسیده ، از پای درآید . اما هنگامیکه اصلاحات ارضی مترقی آغاز شد ـ و این امر برای کشوری چون افغانستان ، که قریب ۸۰ در صد سکنه۱۶ میلیونی آن روستائی‌اند، محور روند انقلابی است ـ وضع بکلی تغییر کرد .

در نتیجه این اصلاحات ، ۴۰ هزار مالك ، که ۷۰ در صد مجموع اراضی قابل کشت را صاحب بودند ، ازامتیازات خود محروم شدند و توده دهقانان بی‌نوا، که روی اراضی اجاره‌ای زحمت می‌کشیدند ، به گرانبهاترین هدیه عالم ، یعنی زمین که باچنان سخاوت توام با اندوه و رنج آنرا از عرق جبین وخون دل خود سیراب کرده بودند ، رسیدند. و درست از همین هنگام بود که تیرهای تلگراف فرو افتادند ، پلها ویران‌شدند، محصول آتش زده میشد و احشام نابود میگردید . درست در همین موقع بود که که صفیر نخستین گلوله‌ها بسوی سینه فعالین حزب دموکراتیك خلق‌افغانستان، بسوی سینه متخصصان کشاورزی،پزشکان، مهندسان و آموزگاران، یعنی بسوی سینه کسانی که نوردانش و آگاهی را به روستا می‌بردند و دریچه زندگی تازه رابروی مردم ساده افغانستان می‌گشودند ، بلند شد .

این عناصر کیستند که با آینده می‌جنگند ؟

تعلقات سیاسی آنها طیف وسیعی را دربر میگیرد : از طرفداران رژیم‌سلطنتی گرفته تا مائوئیستهای دوآتشه . اینك به‌سوابق بعضی از این چهره‌های‌منفور ، که «زینت بخش» مطبوعات آمریکا و غربند ، توجه کنیم .

سردسته یکی از یازده گروه مزدورانی که باهم نیز خصومت دارند ، شخصی است بنام سید احمد فیلانی . او مدعی نقش پدر ضد انقلاب افغانستان است . روزنامه «نیویورك تایمز» ، چاپ آمریکا ، درباره وی می‌نویسد :

«شجره‌نامه این مرد پنجاه ساله ، که او را «پیر» ، یعنی مقدس مینامند ، گویا به حضرت محمد میرسد» !

معذلك این‌روزنامه‌اضافه‌میکند که‌همه مردم در کابل ، فیلانی‌را ، که یادشواری توانسته برای خود لقب «رهبری‌مذهبی» را دست و پاکند ، بعنوان صاحب‌اطماع فروشگاه بزرك اتومبیل «پژو» می‌شناسند . فیلانی ، هنگامی که فروشگاه بزرگش مصادره شد و سپس اراضی وسیعش در نزدیکی جلال‌آباد ، بین روستائیان تقسیم گردید، به اتفاق همسرش ، که نوه پادشاه سابق افغانستان است ، به پیشاور درپاکستان گریخت . از آنجاست که این «رهبرمذهبی»مسلمانان را به «جهاد» برای برقراری‌رژیم سلطنتی متکی به غرب ، دعوت میکند !

یکی دیگر از این رهبران ، گلبودین حکمت‌یار ، ۳۵ ساله و رئیس گروه «حزب اسلامی» است .حتی‌رژیم محافظه‌کار محمد داودخان هم این گروه را «چپ!» میخواند. «حزب اسلامی» بسار نزدیك «اخوان‌المسلمین» است ، که یك سازمان مرتجع و تروریستی است و در جهان اسلام بطور وسیعی شعبات خود را گسترش داده است . در افغانستان این سازمان به «برادران اهریمن» مشهور است . شهرت او (حکمت‌یار) که خودرا «ملی‌گرا» قلمداد می‌کند ، از سال ۱۹۷۵ آغاز میشود که با کمك‌سرویس‌های جاسوسی پاکستان ، شورش تجزیه طلبانه‌ای بر علیه دولت وقت در ناحیه «پنجری» (نزدیك مرز پاکستان) براه انداخت . در ضمن بطوریکه روزنامه «کابل نیوتایمز» نوشت ، سازمان‌سیای آمریکا ، حکمت‌یار را بر سایررهبران دستجات مزدور ترجیح میدهد ، زیرا حکمت‌یار از یك خانواده کارگری برخاسته و روی این امر حساب میکند که جامعه افغانی ، او را از نمایندگان اشرافیت کهن این کشور ، متمایز میکند .

ثابت‌اله مجددی یکی دیگر از این «رهبران» است ، که در پرتو حمایت دائی خود ، حضرت شوربازار ، رهبر مشهور مذهبی این کشور و پیشنماز سابق مسجد کهنهاك زندگی میکند ، یعنی بادرصدی از سهم امام !

ضیاء خان نصری ـ ۳۳ ساله ـ «دلال فروش اجناس » ، نه‌تنها درآمریکا تحصیل کرده ، بلکه تبعه‌این کشورهم هست . او خود را «نخست وزیر موقت جمهوری آزاد اسلامی افغانستان» اعلام داشته، که گویا در یکی از استانهای «آزاد شده!» کشور ، تشکیل شده‌است. او از مدتها پیش به خدمت « سیا » درآمده و وظیفه مامور مخفی گروههای ضد انقلاب را انجام میدهد .

و سرانجام مار خوش خط و خال دیگری بنام بشیر ذاکری ، ۴۷ ساله ، که ساکن نیویورك بوده . او در راس گروه مهاجر ، نقش مهم حلقه ارتباط بین «سیا» و مزدوران پیشاوری آنرا ایفا میکند .

همه سران این گروه بندی های مختلف ، تضادهای شدیدی با هم دارند و هرکس به‌سهم خود دارای‌خودخواهی‌ها و برتری‌جوئیهای ملی و قومی ونقطه نظرهای سیاسی خاص خویش است. فقط یك موضوع آنها را باهم متحد می‌کند : نفرت سبعانه نسبت به رژیم دمکراتیك خلق‌وسوءاستفاده‌ی بیشرمانه از اسلام .

مولوی عبدالعزیز صادق، صدرشورای روحانیون افغانستان ، در مصاحبه‌اش‌با خبرنگار روزنامه «تائیس»، چاپ اسپانیا چهره واقعی‌این به‌اصطلاح مدافعان‌اسلام را رسوا میسازد . مولوی عبدالعزیزصادق میگوید :

« این مسلمانان مخالف رژیم «مسلمانان انگلیسی» هستند (در افغانستان بخشی از اونیگارشی فئودالی ـ مذهبی را ، که عاملین امپریالیسم بریتانیا بوده وهمواره کوشیده‌اند که افغانستان را به مستعمره انگلیس تبدیل سازند، معمولا چنین می‌نامند) و امروز با کمك و پشتیبانی دوائر جاسوسی امپریالیسم آمریکا و ارتجاع پاکستان ، به دفاع از اسلام و مخالفت با رژیم دمکراتیك خلق افغانستان برخاسته‌اند.

این «مسلمانان انگلیسی» از کجا برای خود هوادار دست و پا میکنند ؟ اگر به نوشته‌های بعضی از ارگانهای مطبوعاتی غرب باور کنیم ، درپاکستان متجاوز از ۲۰ اردوگاه و قریب پنجاه ناحیه وجود دارد . که ۱۵ هزارتروریست و راهزن را در آنها تعلیم میدهند .بطوری که خود این شورشیان اعتراف دارند ، مجموع آنها ، گویا بالغ بر ۷۰ هزار نفر است .

به گواهی خبرنگارروزنامه‌آمریکائی «کریستین ساینس منیتور»، شخصی به‌نام «ملك» ،تا قبل ازانقلاب فئودال بود و هزاران «آکر» باغ میوه و زمین مزروعی داشت . پس از انقلاب ، دولت انقلابی افغانستان با اجرای اصلاحات ارضی ، املاك او را بین دهقانان بی‌زمین تقسیم کرد و برای اوفقط ۱۰ «آکر» باقی گذارد . پس‌از اصلاحات ارضی ، «ملك» به همراهی عده‌ای از افراد قبیله‌اش به خاك پاکستان فرار کردند .

تبلیغات امپریالیستی که گزارشهای مجعول و دروغ درباره « فرار اهالی افغانستان» پخش میکند ، در مورد این واقعیت که از ۱۶ میلیون نفر سکنه کشور، قریب ۳ میلیون نفر کوچ‌نشین هستند و هرساله بطور فصلی در مناطق مرزی افغانستان و پاکستان تغییر مکان می‌دهند ، سکوت اختیار میکند . این طوایف کوچ‌نشین زمستانها به‌مراتع‌واقع در خاك پاکستان‌کوچ میکنند و تابستانها به افغانستان باز میگردند . اما مقامات پاکستان این بار به آنها اجازه ندادند که بازگردند، به این امید که این افراد را نیز جزء «فراریهای» قلمداد کنند. مثلا اخیرا گروه بزرگی از افغانها ،مرکب از ۵۰ هزار خانوار ، که در اردوگاهی واقع در صومعه پیشاور در پاکستان نگاهداری میشوند ، تلاش کردند به جمهوری دموکراتیك افغانستان باز گردند . ولی مقامات پاکستان با توسل به زور ، آنها را به‌اردوگاه راندند و افراد مسلحی رابعنوان نگهبان دورتادور اردوگاه مستقر کردند .این‌افراد که در میان یاس و ناامیدی دست و پامی‌زنند، قربانیان نیرنگهای فئودالها و ماموران دوائر جاسوسی آمریکا و چین وپاکستان هستند .

بلافاصله پس‌از انقلاب آوریل، در واشنگتن وبعضی از پایتخت‌های کشورهای غربی، امکانات بسالقوه شورشیان افغانستان مورد توجه قرارگرفت. درست است‌که درآن موقع «سیا» ودیگرمراکز جاسوسی امپریالیستها برای‌خفه کردن انقلاب ضدامپریالیستی ایران، غرق‌در فعالیت بودند، ولی‌ازبهار سال ۱۹۷۹، آقای و.کریستوفر، معاون وزارت امور خارجه آمریکا، به‌پاکستان رفت وفکر ایجاد «دولت‌تبعیدی‌افغانستان»رادرخاك پاکستان مطرح کرد. امپریالیسم‌امریکا میکوشیدمواضع‌ازکف‌داده خود درایران را درافغانستان جبران‌کند.

درگرما گرم‌شورش هرات،سروکله **ضیاء نصری** درواشنگتن پیدا شد. او پیرامون‌تحویل اسلحه‌آمریکا مذاکراتی انجام‌داد. بعدنوبت به **مجددی**رسیدکه درماه مه‌همان سال به واشنگتن رفت. یکماه بعداز این دیدارها بودکه‌نخستین کشتی‌های حامل اسلحه و مهمات از انگلستان دربندرکراچی پهلوگرفتند.

این محمولات بعداً به‌پیشاورانتقال یافت. اواسط تابستان‌همان‌سال،کارکنان ستادمنطقه‌ای سیا،ازتهران واردپاکستان شدند وپرسنل‌کنسولگری آمریکا در پیشاور وسفارت این‌کشور دراسلام‌آباد، با ورود کارمندان‌جدیدتکمیل‌شدوتعداد کارکنان «سازمان مبارزه باموادمخدر»و صندوق آمریکائی «بنیاد آسیا» فزونی گرفت.

لوئی دوپری، که برای جاسوسی‌به‌کابل رفته بود ، پس ازچند ماه وارد پاکستان شد وکارهاهنگ‌کردن‌استخدام مزدور وتهیه برنامه عملیات نظامی علیه افغانستان‌راعهده دارگردید.درفعالیتهای تبلیغاتی‌برای‌استخدام آدمکشان‌حرفه‌ای وتشکل‌آنها،که با اعتبارات امریکائی و برای اعزام بخاك افغانستان انجام میگیرد، مجله مخصوص مزدوران بنام «سربازپیروزی» نقش موثری دارد.

تمام این واقعیات ازجانب مجله «نیوزویك» ، بعنوان مداخله پنهان آمریکا درافغانستان، توصیف شده است. ولی‌آیا این مداخله، پنهان است؟ آخر درنتیجه مساعی‌جاسوسان مخفی‌واشنگتن بودکه‌تا اکتبرسال‌گذشته،توسط‌شورشیان حملات خونینی علیه سکنه قریب نیمی‌از ۲۸ استان‌کشورصورت‌گرفت .

دراواخر ماه نوامبر سال‌گذشته (آذر) درمونیخ یکی ازملاقاتهای مهم سری انجام شد.اگرچه این‌گردهمائی بسان‌گرد همائی‌های دیگر باحمایت و حفاظت‌سازمان «سیا»انجام‌گرفت، لیکن در دوران ماهیچ سری پنهان نمی‌ماند. رهبران ضدانقلاب، که دراین دیدارگرد هم‌آمده بودند، پیرامون عملیات‌آتی‌به‌توافق رسیدند .

ازآن زمان به‌بعد «سیا» معتقدشده بودکه امین رژیم را بسوی راهی که بسودآمریکاست، سوق خواهد داد ، یعنی راهی‌که پرزیدنت سادات تعقیب میکند. بطوریکه‌دریکی‌ازاسنادکشف شده خاطر نشان میشود، برنامه هائی درکاربودکه برطبق آن امین برای ریاست جمهوری دولت طرفدارغرب‌درافغانستان‌وحکمت یار برای‌نخست‌وزیری این دولت درنظر گرفته شده بودند .

واشنگتن وعده دادکه کودتای‌آتی امین و حکمت‌یار، درصورت ضرورت موردحمایت نیروهای‌مسلح آمریکاخواهد بود. اما دولت تازه افغانستان ، که در اواخرماه‌دسامبر (دی) حاکمیت‌رابدست گرفت، ازاتحاد شوروی، مطابق‌عهدنامه دوستی بین‌دوکشور تقاضاکردکه‌واحدهای محدودی از نیروهای مسلح خودرا به‌کمك افغانستان بفرستد. بااینکار،تمام برنامه‌های امپریالیستی نقش برآب شد واین توطئه خنثی‌گردید.

ضدانقلاب وحامیان آن‌مجبورشدند تاکتیك خودرا عوض‌کنند. بشتاب به اصطلاح « اتحاد اسلامی برای رهائی افغانستان» را سرهم‌بندی کردند. با پافشاری تعدادی ازرژیمهای ارتجاعی منطقه،به«اتحاد اسلامی»اجازه دادهشدکه بعنوان ناظر در «کنفرانس اسلامی» پاکستان (اسلام‌آباد) شرکت‌کند.

ز.برژینسکی وارد پاکستان شد و ازجمله از اردوگاه مزدوران در«سادا»، واقع در۱۲ میلی مرز افغانستان بازدید کرد ورسماً اعلام نمود که آمریکا از مبارزه آنان حمایت میکند. درضمن آمریکاکوشش داردکه مداخله خود رادر افغانستان، بوسیله رژیمهای محافظه کار «جهان‌اسلام» پرده‌پوشی کند به‌همین‌جهت تصادفی نیست که وزیر دفاع مصر اعلام میکندکه درکشور اومراکزی‌برای‌تعلیم و تربیت «انقلابیون افغانی» ایجاد میشوند. ناظران‌خارجی‌پیش‌بینی‌میکنند که‌پل‌هوائی به‌منظور ارسال‌اسلحه‌آمریکا برای شورشیان، درمصر ایجاد میشود. موافقت‌نامه‌های پنهان و آشکار بین عربستان سعودی‌وعمان بادولت‌پاکستان، پیرامون‌نوسازی‌بنادرصیدماهی«کوادار» و«پاسنی» درپاکستان ونیز قراردادهائی برای توسعه فرودگاههای موجود در پاکستان بسته شده است. این‌بنادر و فرودگاهها بایدبه‌پایگاه نیروهای‌کمکی به‌ضدانقلاب درافغانستان تبدیل شوند.

یکی با مقیاس روز افزونی دراین نقشه‌های امپریالیستی‌شرکت میجویدازچین، ازطریق جاده «قره‌قروم»، اسلحه ومهمات ارسال‌می‌گردد. درخاك چین‌نیز اردوگاههائی ازقبیل‌آنچه‌که درپاکستان وجود دارد، با تمام ظرفیت مشغول‌تعلیم مزدور است.

بدینسان، امپریالیسم وارتجاع بین‌المللی به تشدید وخامت اوضاع در منطقه ادامه میدهند وبگونه‌ای خشن‌در امورداخلی افغانستان مداخله میکنند . روزنامه بانفوذ «واشنگتن‌پست» دراین باره مینویسد:

«کاربجائی رسیده‌که بزودی کارتر «رهبرمسلمانان افغانستان» را هم معرفی‌کند».

روزنامه فوق خاطرنشان میسازد که تصورنمیرودکه مردم افغانستان‌فریب این توطئه‌ها را بخورند . روزنامه «واشنگتن‌پست» سلاح کاررا دراین می‌داند که : **«هافلانه میبود اگر پرزیدنت‌کارتر از مداخله در امور افغانستان دست میکشید».**

بهتر از این، سلاح دیدی وجود ندارد، به ویژه‌که باید در نظر داشت‌که خلق‌افغانستان ازداشتن دوستان‌مطمئنی برخوردار است.

سندتوطئه‌محافل امپریالیستی علیه انقلاب ایران

□ من گاهگاهی این نظر شما را مبنی‌بر راه‌حل نظامی برای بحران ایران با در نظر گرفتن سرسختی همیشگی و بی‌سابقه رهبر ایران... به‌شنوندگان رادیو اروپای آزاد القاء می‌کنم

ترجمه فارسی سندی را که در ذیل مطالعه میکنید گوشه‌ای از هزاران توطئه‌ای است‌که شب‌و روز ماشینهای‌محافل‌امپریالیستی و صهیونیستی در حال طرح و اجرای آن هستند. سند ذیل‌دخالت‌های مستقیم محافل امپریالیستی رادر اغتشاشات داخلی ایران بطور آشکار نشان میدهد. این سند نامه‌ایست که توسط رالف‌والتر رئیس رادیوی اروپای آزاد که توسط سیا تاسیس شده، و برعلیه انقلاب ایران برنامه پخش می‌کند، به برژینسکی مشاور امنیتی کارتر نوشته شده و توسط یك آلمانی طرفدار انقلاب ایران در اختیار ایرانیان قرار داده شده است.

متن سندکه اززبان انگلیسی ترجمه شده :

زبیگ (برژینسکی) عزیز:

از نامه مفصل شما ممنونم. در این نامه شما نسبت به نمایش جاری ایران و کاریکه رادیوی اروپای آزاد می‌تواند در این برهه از زمان انجام‌دهد، نگرانی عمیق و سیاستمدارانه‌ای نشان داده‌اید و در مورد اشکالات ناشی از اوجگیری تشنجات روابط ایران و آمریکا و حضور رو به‌ضعف آمریکا در منطقه هشدار داده‌اید.

همانطور که قبلا گفتم چندین برنامه سیاسی رادیویی در مورد ایران آماده شده بود که بخاطر دلایل تاکتیکی و دستور شخصی سایروس ونس حذف گردید.

شما خوب می‌دانید که من با مواضع جیمی‌کارتر وسایروس ونس موافق نیستم، بلکه معتقد به یك راه میانه می‌باشم و اگر به خاطر بیاورند دربلی از نامه‌هایم نوشتم که کاملاً ازنظرات شما حمایت می‌کنم و برنامه راهنمائیهای سیاسی رادیوی اروپای آزاد که با جسارت در آن به‌نظریات کارتر حمله شده است، بیانگر این واقعیت است.

در شرایط خاص کنونی ثابت خواهد شد که تنها راه مقابله با سیل فراگیر انقلاب اسلامی ایران روش سرسختانه شما خواهد بود.

در ملاقاتی که در بن با سخنگوی وزیر امور خارجه آمریکا داشتم، اطلاعات‌و راهنمایی‌های بسیار رضایت‌بخش و اقناع‌کننده‌ای از آخرین جلسه کمیسیون مشترك ناتو بدست آوردم تائید شما نیز بوده است.

من گاهگاهی این نظر شما را مبنی بر راه‌حل نظامی برای بحران ایران با درنظر گرفتن سرسختی همیشگی و بی‌سابقه‌رهبر انقلاب اسلامی ایران ـ خمینی ـ و روحانیون قم که هر روز مردم را به جنگهای صلیبی (مذهبی) علیه آمریکا فرامی‌خوانند بصورت یك نتیجه منطقی و اجتناب‌ناپذیر به شنوندگان رادیو اروپای آزاد القاء می‌کنم.

در مذاکرات بن پیشنهاد من این بود که از به‌اصطلاح مسلمانان ناراضی هوادار حزب خلق مسلمان استفاده نموده و دشمنی‌ها را دامن زد. ناآرامیهای اخیر صحت پیشنهاد مرا تایید کرد. تبلیغ این دشمنیها، منافعی برای حرکت ما دارد. بهرحال، آیا فکر نمی‌کنید که بتوانیم فرستنده رادیو آمریکا در یونان را برای پخش برخی برنامه‌های بزبان فارسی، بکار گیریم؟

بجاست یادآوری کنم که بعقیده من، وقت آن رسیده است که درنظریات سیاستمدارانی مانندسایروس ونس و هارولدبراون، تجدیدنظر نکنیم. آنها فکر می‌کنند که نه طبیعی و نه انسانی است که اقدامات فعال سیاسی و حتی عملی برای کنار گذاشتن شورایی از راهزنان که الهام‌بخش به‌اصطلاح انقلاب مسلمانان است اتخاذ شود. اینك زمانی است که باید به اینگونه روشها پایان داد.

فکر می‌کنم که پیشرفتهای آینده در روابط ایران و آمریکا، مشاوره‌های بیشتری در فعالیت‌های رادیو اروپای آزاد را ضروری می‌گرداند. بهرحال، ضروری‌است که اقدامات امنیتی بیدی برای کارکنان این‌رادیو بوسیله مقامات‌دولت فدرال (آلمان)اتخاذگردد.

می‌خواهم یکبار دیگر از همکاری شخصی شما، برای‌افزایش نقش و پرستیژ رادیو اروپای آزاد تشکر کنم. می‌توانم شما را مطمئن سازم که رادیو اروپای آزاد سهمی در جلب افکارعمومی جهان به‌نفع هدفهای ما داشته باشد.

ارادتمند شما: رالف والتر

کیهان، ۲۱ اسفند ۱۳۵۸

نام نویسی درحزب تودهٔ ایران

کارگران وزحمتکشان هوادار حزب تودهٔ ایران که مایلند درحزب ثبت‌نام‌کنند، ولی درایام هفته فرصت‌اینکار را ندارند، می‌توانندروزهای جمعه ازساعت ۹تا۱۱صبح و از ۲تا۵ بعدازظهر به‌دبیرخانهٔ کمیتهٔ مرکزی حزب تودهٔ ایران، واقع در خیابان ۱۶ آذر،ضلع‌غربی‌دانشگاه‌تهران، مراجعه‌کنند، در شهرستانهانیز دفاتر حزب‌تودهٔ ایران برای نام نویسی آماده است.

متقاضیان هنگام ثبت‌نام حتماً شناسنامهٔ خود را همراه داشته باشند.

توجه!

جلسات «پرسش وپاسخ»، تا اطلاع ثانوی ، بجای روزهای چهارشنبه ، روزهای‌پنجشنبه‌از ساعت ۳ تا ۵ بعداز ظهر در دبیرخانه‌کمیته مرکزی‌حزب‌توده ایران تشکیل میشود.

لست ساواکی‌ها را منتشر کنید!

باتصویب‌شورای انقلاب، راه برای اصلاحات ارضی واقعی وبنیادی گشوده شد.
دهقانان با انتخاب شوراهای ده‌درهمه‌جا وتشکل در اتحادیه هابااین راه‌میروند

اعلامیهٔ کمیته مرکزی حزب‌توده ایران ...

بقیه ازصفحه ۱

عمال‌آنها ومقدس‌نماها شد. آنها دشمنان انقلاب ، دشمنان ایران، دشمنان اسلام‌راستین ، دشمنان تمام دهقانان زحمتکش هستند . ضد انقلاب مترصداست‌تارذیلانه از محیطی‌که بدنبال این تعلل و تاخیربوجودخواهد آمد،استفاده کند ، نباید چنین اجازه‌ای را داد .

امام‌خمینیرهبر سیاسی و مذهبی‌انقلاب‌ایران بارهاوبارها روی این مسئله تکیه‌کرده‌اندکه انقلاب‌ایران ، انقلاب مستضعفین علیه مستکبرین است و تاریشه بزرگ مالکی کنده‌نشود، دهات ماروی آسایش، رونق‌وشکوفائی رانخواهد دید . بزرگ‌مالکی‌سر منشاء ظلم‌وستم،غضب‌وزورگوئی، فساد واستثماراست.بزرگ‌مالکی پایگاه امپریالیسم و تکیه گاه دسایس‌ضدانقلاب است. بزرگ مالکی مانع رشد تولید داخلی و ایجاد اقتصاد سالم ومستقل است .

دهقانان بی‌زمین وکم‌زمین!

بایدجداً وقاطعانه ازقانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب دفاع‌کرد و اجرای آنرا خواستارشد. باید جلوی تشبثات ودسایس آشکار ونهان مالکان بزرگ و مخالفان قانون را، بهر شکل وبهانه‌ای‌که بروزکند، گرفت. اربابان و سرمایه‌داران ارضی،که در «شورای‌کشاورزی» معلوم‌الحال متشکل شده‌اند، در تهران جمع‌شده و قانون تصویب شده را«غیرقانونی وغیراسلامی» خوانده‌اند و در فکر تشکیل کنگره‌ای هستند تازمینها را در دست خود نگهدارند.

صدها نامه و طوماری‌که از جانب شما میرسد، همه حاکی از بیداری تحسین‌آفرین شما و آگاهی شما براین‌وظیفه است‌که نباید خاموش نشست وبایدبرای گرفتن حق مبارزه‌کرد.

خودشما، درماههای بعد از انقلاب، باحضورومشارکت‌خویش درصحنه نبرد بین حامیان منافع بزرگ مالکان، نظیر ایزدی‌ها و مدافعان منافع تسوده زحمتکش روستایی، نظیراستادرضا اصفهانی، موفق شدید نظریه‌صحیح‌وانقلابی راپیش ببرید وطرح اصلاحات ارضی را به‌کرسی بنشانید.

اکنون نیزوظیفه‌مهم‌وبسیار حساسی متوجه شماست. باید با تمام‌قوا ازآن مقامات دولتی و نهادهای انقلابی که خواستار اجرای قانون اصلاحات ارضی هستند، حمایت‌کنیدونگذاریدآن مقامات دیگر، که باماالکان‌بزرگ پیوند دارند، یادرفکرمنافع حقه میلیونها دهقان نیستند، چهره انقلاب مارامسخ وخدشه‌دارکنند.

بایـد کمك و راهنمایی روحانیون مردمی را، که طرفدار حق وحقیقت هستند، جلب‌کنیدتا جلوی روحانی‌نمایانی‌را، که‌سنت معاویه‌ها و پهلوی‌ها را ادامه میدهند، بگیرید.

شما خود باید برای‌گرفتن حق‌خویش و دفاع از قانون مصوبه شورای انقلاب‌اقدام‌کنید.

شما باید نقشه‌ها ویورش خرابکارانه مالکان بزرگ و وابستگان به‌آنهارا عقیم‌گذارید.

شما باید همبستگی‌وهمکاری نهادهای انقلابی، نظیر جهاد سازندگی وسپاه‌پاسداران‌محل را جلب‌کنید وباهمگامی وهمفکری باآنها، حرف حق‌خود رابکرسی بنشانید.

دهقانان‌بی‌زمین‌وکم‌زمین!

حق به‌جانب شماست. قانون تصویب شده‌است. انقلاب باشما و طرفدارشماست.

شما باید بسود حق وانقلاب به‌اجرای‌قانون‌کمك‌کنیدواجرای

آقای قطب‌زاده برروی کدام خط حرکت می کند؟

روزنامه بامداد در شماره ۲۳ اسفند، مصاحبه خبرنگار خود با آقای قطب‌زاده را انتشار داده است. در این مصاحبه از مسائل متنوعی نظیر کار کمیسیون‌تحقیق، دادگاههای‌انقلاب، دو مرحله‌ای بودن انتخابات، تعطیلات نوروزی و غیره سخن‌رفته است که در اینجا بحث مقاله ما فقط درباره اظهارنظر آقای قطب‌زاده درباره کار دادگاههای انقلاب و آرزوی ایشان برای عفو عمومی‌است که بقول معروف: **تا مرد سخن نگفته باشد عیب‌و هنرش نهفته باشد**

آقای قطب‌زاده در پاسخ خبرنگار روزنامه بامداد که می‌پرسد: نظر شما درباره دادگاههای انقلاب و نوع کارشان‌چیست، میگوید:

«من راجع به دادگاههای انقلاب در سراسر کشور، کمیته‌ها درسراسر کشور، وضع بنیاد مستضعفان در سراسر کشور، جهاد سازندگی، حرف و نقل و درد دل بسیار دارم.»

حرف و نقل و درد دل آقای قطب‌زاده باید قطعا درباره‌تیرباران‌ها، مصادره‌ها، محکومیت‌ها باشد، که بالاخره ایشان هم به صدا درآمدند و پس‌از اشاره‌ای گذرا به «خدمات ارزنده» این ارگانها میگویند:

«ولی در عین‌حال بی‌عدالتی‌های بیشماری در این مملکت پس از پیروزی انقلاب شده... و متاسفانه ابعاد مردم‌آزاری آنها به حرکت انقلابی آنها میچربد.»

آقای قطب‌زاده آرزوی خود رابه پای «مصلحت‌کشور و ملت» می‌نویسد و می‌افزاید:

«بنابراین مصلحت کشور و ملت ایجاب می‌کند، عفوعمومی داده شود که برای حفظ مردمان اصیل و مورد ظلم واقع‌شده، که معتقد به انقلاب اسلامی هم هستند و برای آنکه بیش از این مردم‌در مجموع‌مورد ظلم قرار نگیرند، از آنچه احتمالا عده‌ای بدون مکافات خواهند ماند، درگذریم.»

بیانات آقای قطب‌زاده، خاطره آقای مهندس بازرگان را تداعی میکند. در آغاز پیروزی انقلاب هنگامی که هویداها و نصیری‌ها و رحیمی‌ها در دادگاههای انقلاب برابر جوخه‌های اعدام قرار گرفتند، آقای مهندس بازرگان، دادگاهها، این نهادهای کیفر خلق را، «آبروریزی» خواند و اکنون آقای قطب‌زاده بر ابعاد «مردم‌آزاری» این دادگاهها تکیه میکند.

تا آنجا که مربوط به کار دادگاههای انقلاب است، مردم هم از کار این دادگاهها گلایه دارند، ولی نه در آن سمتی که آقای قطب‌زاده گله‌مند است. مردم میپرسند:

چرا کار این‌دادگاه‌ها به سستی و تسامح کشیده است؟

چرا کسانی که بعلت جرائم خود و برطبق فرمان عفو امام باید به‌اشد مجازات برسند، به حبسهای کوتاه‌مدت محکوم‌میشوند؟

چرا برخی از مجریان اصلی رژیم پیشین بی سروصدا آزاد شده‌اند و برخی بازداشت هم نشده‌اند؟

اگر در کار دادگاه‌ها عیب و نقصانی هست، در این مقطع است و نه در سمتی که آقای قطب‌زاده مطرح می‌کند.

ضمنا معلوم نیست این «مردمان اصیل»، که مورد «ظلم» واقع شده‌اند و «معتقد به انقلاب اسلامی» هم هستند، کیستند؟ بی‌تردید امروزه شمار فرصت‌طلبانی که برای نجات جان و مال خود روی به «اسلام» آورده و انقلاب اسلامی را هم به ظاهر پذیرفته‌اند، کم نیستند. اما اینکه این کسان «مردمان اصیل»اند و بر آنها ظلم رفته است، جای تردید بسیار است.

و اما درواقع، این «مردمان اصیل» جز همان سرمایه‌داران وابسته، زمینداران بزرگ، غارتگران بیت‌المال، وابستگان‌نزدیك رژیم پیشین نیستند، که اتفاقا «ظلم» چندانی هم بر آنان نرفته است، بلکه عده قلیلی از آنها به کیفر سالها دزدی و غارتگری و جنایت و خیانت خود زندانی و اموالشان احیانا مصادره شده است و بقیه به برکت وجود طرزفکری نظیر طرز فکر آقای قطب‌زاده، یا بدون مانع بخارج فرار کرده‌اند و یا راست‌راست در خیابانها میگردند و ککشان هم نمی‌گزد و اگر عفو عمومی میخواهند برای آنست‌که «وجودشریفشان» را کوچکترین‌دغدغه خاطری هم‌نیازارد.

آقای قطب‌زاده! این «صدها هزار نفر در داخل مملکت، که هر روز و هرشب برخود میلرزند»، لرزشان از قباحت‌اعمالشان‌است، از بیم آنست که مبادا فرشته عدالت، ولو با تاخیر، روزی گریبانشان را بگیرد و شما در مقام وزیر امور خارجه به کمك‌آنها آمده‌اید و برایشان طلب «آسایش» میکنید؟

آقای قطب‌زاده، عفو عمومی را نه فقط برای طاغوتیان داخل کشور، بلکه برای طاغوتیان فراری هم میخواهد .او میگوید:

«امروز هزاران نفر در خارج از کشور مزه تلخ بیگانه بودن در محیط خارج را حس می‌کنند، که شاید من بتوانم که تلخی آنرا با تمام وجودم حس‌کنم و آزادی آنها از زندانی «نفی بلد» آرزو کنم».

بعید است که آقای قطب‌زاده ندانند که آنها که در دوران انقلاب «نفی‌بلد» را انتخاب کرده‌اند، چه‌کسانی هستند. صرفنظر از کسانی که بعلل نامعقول بخارج رفته‌اند، همه میدانند که‌اکثریت اینان یك‌مشت جانی و دزد و خائن به‌کشور و مردمند که از ترس انقلاب خلق، وطن خود را در چمدانها جای دادند و به خارج گریختند تا زیر حمایت اربابان امپریالیست خود علیه انقلاب ما توطئه‌کنند. شایسته‌نیست‌کسی‌که خود را نماینده‌این مردم پابرهنه میداند، دل برآن جماعت بسوزاند. باورنکردنی است که کسی به برکت پایمردی و ایثار یك خلق محروم، بر کرسی وزارت خارجه انقلاب تکیه زده، برای طاغوتیان طلب عفو کند.

آقای قطب‌زاده! مردمی که ۳۷ سال ترور محمد رضا پهلوی نفسشا نرا برید، بر سرشان سیل وحشت و اندوه بارید، والاترین ارزشهایشان را لگدمال یك باند دزد، جاسوس، جانی و خائن در لباس هیئت حاکمه کرد، عزیزترین فرزندانشان در کوچه وخیابان و زندان و شکنجه‌گاه و میدان تیر جان باختند، گرگ خونخوار امپریالیسم بر پهنه کشورشان تاخت آورد، درید و خورد، خواهان اجرای عدالت درباره اسیرکنندگان و غارتگران خود هستند، ولی امروز شما بر آن سفلگانی که ابزار اعمال این جنایات و غارتها بودند، دل میسوزانید و برایشان آرزوی آزادی از زندان «نفی‌بلد» می‌کنید؟

اما مردم اجازه نخواهند داد. تا این تودهٔ دلیر پیکارجو بر صحنه است، این آرزوها تحقق نخواهد یافت. مردم کارآئی بیشتر دادگاهها را طلب میکنند. مردم از کمیته‌ها قاطعیت بیشتر می‌خواهند. مردم از بنیاد مستضعفین‌و جهاد سازندگی خواهان اقدامات گسترده‌تر بسود محرومان‌جامعه‌اند. مردم‌عفو عمومی را برای اسیرکنندگان و غارتگران خود رد میکنند و کسانی که زوال نهادهای انقلابی را آرزو دارند، در خط امام، در خط مردم نیستند.

دریك مصاحبه مطبوعاتی اعلام شد:

کمك‌های اتحادشوروی به‌سیل زدگان خوزستان

استالسکی، معاون ریاست کمیته اجرائی اتحادیه های انجمن های صلیب سرخ وهلال احمر، و دکتر سیراك رئیس بیمارستان شوروی درتهران، درمورد مسائل مهمی از قبیل کمکهای اتحادجماهیرشوروی به‌سیل‌زدگان خوزستان و تاریخچه بیمارستان صلیب سرخ شوروی در تهران، اطلاعاتی در یك مصاحبه مطبوعاتی در اختیار خبرنگاران گذاشتند.

در آغاز دکتر سیراك درمورد فعالیت صلیب سرخ شوروی در تهران گفت:

«این بیمارستان از ۴۰ سال قبل آغاز به فعالیت کرده و سی و دو سال است که تحت رهبری هیئت اجرائیه صلیب سرخ شوروی کار می‌کند. منظور از تاسیس آن، دادن کمکهای انسان‌دوستانه به جمعیت براساس فعالیتهای خیریه و دوستانه است»

استالسکی‌سپس در مورد کمك‌های اخیر صلیب سرخ به سیل‌زدگان خوزستان گفت:

«در روز ۱۴ اسفند هواپیمای باری‌اتحادشوروی که‌حامل کمکهای جنسی، از قبیل پتو، چادر، دارو، مواد غذائی‌بودواردفرودگاه‌مهرآباد شد و این کالاها را به شیر و خورشید سرخ ایران تحویل داد»

او افزود: **«به دعوت شیر و خورشید سرخ ایران دیداری از مناطق‌سیلزده انجام‌دادم‌و مشاهده کردم که از طرف دولت رسیدگی زیادی به این مردم مصیبت‌دیده میشود.»**

استالسکی‌در قسمتی ازسخنانش افزود:

«در صحنه بین‌المللی، صلیب سرخ اتحاد شوروی بر ضد پروز جنگ، تبعیض‌نژادی و مسائل دیگری فعالیت دارد»

وی در مورد پایه‌گذاری این سازمان گفت:

«بلافاصله پس‌از انقلاب‌صلیب سرخ پرولتری ایجاد نشده بود و سازمان صلیب سرخ روسیه یك سازمان ارتجاعی باقی‌مانده بود. ولی بعد از سال ۱۹۱۸رهبر کشور ما لنین، قانون ایجاد این سازمان پرولتری را امضاء کرد و سال بعد در سال ۱۹۱۹ برنامه این سازمان، با منشور اتحادیه صلیب سرخ بین‌المللی همگام گردید و با آن هماهنگ شد. هدف اصلی این‌سازمان دادن کمکهای‌امدادی به‌مردم و همچنین دادن کمکهای موردتقاضا به‌کشورهای دیگربود.»

دکتر استالسکی درمورد نحوه گسترش روابط دو کشور ایران و شوروی وهمکاریهای‌آنها گفت: **«طرحهائی‌به‌منظورتبادل‌نظر و ارائه خدمات‌درمانی‌و آموزش‌متخصصین ایرانی در دست مطالعه است و همچنین مذاکراتی بین وزارت بهداری و سازمان شیر وخورشید سرخ ایران از یك طرف و وزارت بهداری شوروی از طرف دیگر به منظور شرکت هیاتهای ایران و استفاده از دانشجویان و پزشکان ایرانی از بورسهای تحصیلی به عمل آمده و دولت شوروی نیز آمادگی خود را در این مورداعلام نموده است.»**

استالسکی درپاسخ به‌این‌سئوال که در شوروی‌وضع‌پزشك و دارو چگونه است، گفت:

«طبق آخرین آمار، در اتحاد شوروی برای هر ۱۰هزار نفر ۳۳ پزشك وجود دارد، که این پزشکان علاوه بر کاری که در داخل کشور انجام می‌دهند، از طرف وزارت بهداری به کشورهای دیگر مانند اتیوپی، الجزایر، ایران و غیره، که نیاز به پزشك دارند، به‌طور موقت فرستاده می‌شوند و در آنجا کار می‌کنند.»

نمایشگاه ضدامپریالیستی درشیراز

نمایشگاه عکسی ازطرف سازمان ایالتی حزب‌تودهٔ ایران درفارس درمحل میدان انقلاب (فلکه ستاد سابق) شهر شیراز برپا گردیدکه مورد استقبال وسیع‌مردم شهرواقع شد. این‌نمایشگاه که «سیری از انقلاب‌ازآغازتاپیروزی» نام‌داشت یکهفته‌برپا بودودرآن خیزش مردم انقلابی میهن‌ما دربهمن ماه ۱۳۵۷، همراه با افشاء جنایات امپریالیسم آمریکا به‌تماشای عموم‌گذاشته شده بود.

طرحهای ضدامپریالیستی

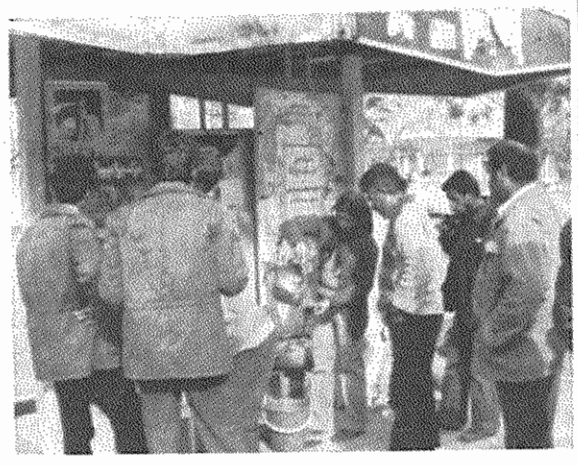

نمایشگاهی ازطرحهای ضدامپریالیستی ازطرف سازمان ایالتی حزب‌توده در فارس، در خیابان‌کریم‌خان زند، کنار دیوار ساختمان ساواك منحله، نزدیك میدان انقلاب (فلکه ستاد سابق) در شیراز برگزارشد.

درکنار این‌نمایشگاه بساط‌فروش‌چای‌وکیك‌ضدامپریالیستی هم برپا بوده، که مردم‌شهر شیرازهم ازنمایشگاه وهم ازچای ضد امپریالیستی استقبال‌کم‌نظیری‌کردند.

از انتشارات حزب‌توده‌ایران
منتشر شد
مسائل معاصر آسیا وافریقا
تألیف دانشمند بزرگ
ر.اولیانفسکی

هنوزمشی چریکی جدا از توده
(مروری در دیدگاههای سازمان چریك‌های فدائی خلق وگروه راه‌کارگر)
حیدر مهرگان

منتشر شد:
واژه نامه سیاسی-اجتماعی
امیر نیك‌آئین

رفقا
(رمان ادبی)
تألیف ای. متر
ترجمه شهید خسرو روزبه

نامه مردم بزبان کردی

امروز بعلل فنی متاسفانه منتشر نمیشود

ارضی مورخ ۸اسفند ۱۳۵۸ است . شما میلیونها دهقان ، با این وسیله ، به نیروی عظیمی بدل خواهید شدکه‌بقایای‌فئودالها وخوانین را درهم‌خواهدشکست وتوطئه آنهارا علیه انقلاب‌وعلیه قانون اصلاحات‌ارضی نقش‌برآب خواهید کرد .

کمیته‌های دهقانان بی زمین وکم زمین را تشکیل دهید ومتحداً اجرای قاطع و فوری قانون اصلاحات ارضی را طلب کنید.

کمیته مرکزی
حزب‌تودهٔ ایران
۲۵ اسفند ۱۳۵۸

وسیلهٔ‌عمل‌شماتشکل‌شماست. شما دهقانان بی‌زمین وکم‌زمین، به‌تنهایی وجدا جدا نمیتوانید کاری ازپیش ببرید. حال آنکه میلیونها نفرید واگرمتحدشوید، نیروی‌عظیمی خواهید بود که دشمنان‌انقلاب‌وقانون‌رابجای‌خود خواهید نشاند.

کمیته‌های خود، کمیته‌های دهقانان بی‌زمین وکم زمین، را درهمه روستاها و بخشها بوجود آورید.

بوسیله این کمیته‌هاازانقلاب حمایت کنید و رهنمودهای الهام بخش **امام خمینی** را بکاربندید از قانون اصلاحات ارضی مصوبه شورای انقلاب وازقانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ، که حقی برای ادامه ستم واستثمار بزرگ‌مالکان غاصب و غارتگر نمیشناسد ، دفاع‌کنید .

ازطریق **کمیته‌های‌دهقانان بی‌زمین و کم‌زمین** نمایندگان خود را به‌شورای ده‌بفرستید .

از طریق **کمیته‌های دهقانان بی‌زمین وکم زمین** خواست حقه‌خود ، تصمیم‌تردید ناپذیر خود را بدریافت اراضی کشاورزی وحل‌مسئله زمین بیان کنید وآنرابکرسی بنشانید .

ازطریق **کمیته‌های‌دهقانان بی‌زمین وکم‌زمین** محکم‌ترین پیوند دوستی وهمکاری را باجهاد سازندگی وپاسداران محل‌و روحانیون مردمی که‌ازراه‌راستین انقلاب حمایت میکنند و سایر نیروهای انقلابی‌ومترقی برقرار کنید .

ازطریق **کمیته‌های‌دهقانان بی‌زمین و کم زمین** بهمه دستگاههای دولتی و مقامات مرکزی واستانداری‌وفرمانداری وبخش مراجعه‌کنید و خواست حقه‌خود را بیان واز حق مسلم خود دفاع‌کنید .

ازطریق این کمیته‌ها ازطرح انقلابی استاد **رضا اصفهانی** و همه تدابیری که بسود شما انجام میشود ، حمایت کنید .

کمیته‌های دهقانان بی‌زمین وکم‌زمین وسیله‌سازمانی شما برای‌اجرای قانون‌اصلاحات

برای مقابله با تجاوز نظامی امپریالیسم آمریکا
تمام خلق باید از نظر نظامی مجهز شود

چرا

وزارت ارشاد ملی به گروهکهای مشکوک مائوئیستی کمک می کند؟

آگهی های رسمی کشور که باید در روزنامه رسمی جمهوری اسلامی ایران و یا در روزنامه های کثیرالانتشار چاپ شود، به دستور وزارت ارشاد ملی در روزنامه «عدالت» ارگان گروهك مائوئیستی «جمعیت عدالت» درج می‌شود!

این موضوع به‌جهات گوناگون نامفهوم، مبهم وحتی‌مشکوك‌است. واقعا وزارت‌ارشاد ملی برمبنای چه ضوابطی روزنامه «عدالت»را برای درج آگهی‌های رسمی کشور انتخاب کرده است؟ آیا این روزنامه کثیرالانتشاراست؟ آیا خودگروهك های مائوئیستی،این تربچه های پوك آمریکائی درمیان مردم ایران پایگاهی دارندکه رنگین‌نامه های جوراجور آنان داشته باشد؟آیا روزنامه گروهك مائوئیستی میتواند نقش روزنامه رسمی جمهوری اسلامی‌ایران را برعهده بگیرد؟آیا این‌روزنامه ازطرف مسئولین‌امر،روزنامه‌ای درجهت انقلاب‌تشخیص داده شده که بدینوسیله بآن‌کمك مادی رسانیده میشود؟ وآیا...

در دوران طاغوت رسم بود که پروزنامه‌های وابسته،که در درخدمت رژیم بودند، به‌انحاء گوناگون‌کمك های مادی می‌شد تا این روزنامه ها بتوانند باپول بیت‌المال مدح رژیم رابگویند. درحقیقت رژیم بعده‌ای مزدور رشوه می‌داد تا به‌خیال خود از طریق این رنگین‌نامه‌ها بمردم بقبولاندکه « همه چیزبه خوبی و خوشی می‌گذرد » .

وزارت ارشاد ملی که طبعاً نباید اسیرچنین روابطی باشد ویابدان‌ها محتاج، براساس چه‌معیاری به‌این گروهکهای‌ضد انقلابی مائوئیستی‌کمك میکند؟

به‌عقل جور در نمی‌آیدکه وزارت‌ارشاد ملی‌جمهوری‌اسلامی ایران به‌این گروهك‌ها و رنگین نامه‌های آنان احتیاج‌داشته باشد پس دراین وزارت کدام عناصر هستندکه درراه حفظ گروهکهای ضدانقلابی‌گام برمی‌دارند؟ آیا برکاراین افراد نظارتی به‌عمل نمی‌آید؟ آیا هنوز هم‌دوره رژیم طاغوت است‌که پول ملت‌راصرف اجرای نقشه‌های‌مغرضانه‌ومشکوك کنندوکسی‌هم نباشدکه بگوید، چرا؟

روی سخن‌ما بامسئولین وزارت‌ارشادملی‌است. به‌اعتقادما شما در برابر هریالی‌که ازپول ملت خرج می‌کنید، دربرابرملت مسئولید وباید پاسخگوباشید.

باید به‌این پرسش، پاسخ جدی داده شودکه: بچه‌دلیل وبراساس‌کدام ملاك‌به‌روزنامه «عدالت» آگهی رسمی داده شده است؟

نامهٔ مردم

ارگان مرکزی حزب تودهٔ ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی

خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸

تلفن: ۹۳۵۷۲۸-۹۳۳۴۵۹

چاپ: کاویان

MARDOM

No. 193

16 March 1980

Price:

West — Germany 0.80 DM

France 2 fr

Austria 8 Sch.

England 20 P.

Belgium 10 fr.

Italy 350 L.

USA 50 Cts.

Sweden 1.50 Skr.

آبادی نشد، برویم کوهسار!

درشماره دیروزدرباره‌یك‌دروغ«کاملامعمولی» که،خبرگزاری یونایتدپرس به‌نقل از خبرنگار خود، البته ازبـارهای پاریس و بروکسل، درباره افغانستان مخابره کرده بود، برایتان نوشتیم. همانطورکه در آن خبر جعلی خواندید، خبرنگار یونایتدپرس ۷ میلیون افغانی را در۳۳آبادی افغانستان توسط نیروهای شوروی محاصره‌کرده بود! ازآنجاکه‌این خبردرصورت صحت بسیار مهم‌بود ـزیراشوروی‌نیمی‌ازجمعیت‌افغانستان را به‌محاصره‌درآورده‌بود(!)ـ باید این خبرتعقیب ونتایج‌آن به‌اطلاع مردم جهان رسانده میشد. اما از آنجاکه این خبرزائیده دستگاه دروغ پراکنی امپریالیسم بود وتعقیب‌آن بیشتردست امپریالیستها را رومیکرد، خبرگزاری یونایتدپرس‌که ازآن‌کهنه قاپ‌های عالم جعل‌خبر است ومورا به موقع ازماست میکشد، همانطورکـه پیش‌بینی میشد، بفاصله ۲۴ ساعت محاصره نیمی ازجمعیت مسلمان افغانستان را فراموش‌کرد!

خبرگزاری کهنه‌کار، محاصره ۷میلیون‌نفر را فراموش‌کرد، اما از آنجاکـه افغانستان را نمیشود فراموش‌کـرد و «رسالت» امپریالیسم خـونخوار جهانی «دفـاع از مردم مسلمان افغانستان است»، خبرنگار یونایتدپرس ازپشت میز یکی ازبارهای اروپای غربی «مبارزان مسلمان» را فرستاد تاکنترل منطقه کـوهسار را بدست بگیرند وسربازان شوروی‌را بکشند!

به‌گزارش یونایتدپرس ، «مبارزان مسلمان افغانستان‌منطقه کوهسار درشمال غربی این‌کشور رابدست گرفتند . ۶۰ سربـاز افغانی باسلاحهایشان دراین منطقه به‌مبارزان پیوستند وبگفته‌یك سخنگوی مبارزان درپیشاور،این سربازان درتصرف‌منطقه کوهسار که در استان هرات قرار دارد ، به‌مبارزان‌کمك‌کردند. مبارزان مسلمان همچنین‌گفتند ۲۰ سرباز دیگر افغانی نیز در اسلام قلعه واقع دراستان هرات به‌آنان پیوستند. حزب جماعت اسلامـی‌نیز گزارش دادیکی از رهبران این حزب درنبردبا شوروی در استان کنارکشته شده‌است . سخنگوی این حزب‌گفت مبارزان شهراسمار در استان‌کنار باردیگر آنجا را تصرف‌کرده وصدچترباز شوروی را نیزکشته‌اند . این سخنگوافزود درنبرد استان‌کنار برروی هم دوهزارمبارز شرکت دارند»!

دراین‌گزارش،که متاسفانه بازهم به نقل ازیك خبرگزاری امپریالیستی، روزجمعه ازاخبار صدا و سیمـای جمهوری اسلامی ایران پخش شد، خبرنگار یونایتدپرس دومنطقه رادرشمال غربی وشرق پاکستان «آزاد»کرده است! مطابق یك فرمول حساب شده، گروهی‌ازسربازان افغانی‌راتسلیم‌کرده وعده‌ای ازسربازان‌شوروی راکشته‌است. دراین‌خبر،که منبع‌آن «مبارزان مسلمان افغانستان» اعلام شده، ۲۰ سربازدیگرافغانی نیزبه «مبارزان» پیوسته‌اند!

درواقع‌خبرگزاری امپریالیستی‌یونایتدپرس، علاوه‌براینکه تاکنون‌حتی عکس یك سربازتسلیم‌شده،ویاسخنان‌اورامنتشر نکرده ـ بدلیل‌اینکه البته اینطورچیزی وجود خارجی ندارد ـ بعدازاینکه ازمحاصره ۷ میلیونی افغانی درآبادی‌خیری ندیده، به «کوهسار» رفته تا چند منطقه را «آزاد» کند!

نکاتی‌راکه دراین خبرشمردیم، بیادداشته باشید، تادرآینده بازهم اخبار افغانستان را دنبال‌کنیم.

کاخ بیداد را زین کنیم خانهٔ حزب را کنیم آباد

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه‌شما وبه‌کمك شما جشن چهلمین‌سالگرد تأسیس حـزب تودهٔ ایران را درخانهٔ حـزب برگزارکنیم. برای خریدن ویاساختن خانهٔ حزب به‌کمك مالی شما نیازمندیم. باکمك خود دراین جنبش همبستگی وخلقی شرکت‌کنید.

کمك مالی خودرا به‌نام رضاشلتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانك تهران، شعبه ایرانشهر شمالی بپردازید.

توجه:۱) پرداخت پول، با ذکـر مشخصات فوق، به تمـام شعبه‌های بانك‌تهران‌ممکن است. ۲) ازکمك‌کنندگان‌خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸ ارسال دارند.

آخرین روش کمك مالی به‌حزب توده ایران

یکی ازاعضاء حزب‌توده‌ایران‌برای‌کمك‌مالی‌به‌حزب خود، تعداد زیادی قلمه‌گل تهیه‌کرد وآنهارابفروش‌رسانید. این جدیدترین روش‌کمك به‌حزب‌توده‌ایران مورد استقبال تعداد زیادی ازهواداران حزب قرارگرفت.

سیر صعودی همصدائی با خبرگزاری‌های امپریالیستی

صدا وسیمای جمهوری‌اسلامی ایران درجهت‌استفاده ازخبرگزاری‌های امپریالیستی وصهیونیستی در روز۲۳اسفند ماه سیری صعودی داشت.

مسئولین صدا وسیمای جمهوری اسلامی ایران، که ظاهراً فرانسه‌را «مهدآزادی»! می‌شناسنددراین روز۸ خبرازخبرگزاری فرانسه نقل‌کردند. البته یونایتدپرس، آسوشیتدپرس ورویترنیزاز هم «پرس» اروپائی خود عقب نماندند وازآن‌ها نیز۷خبرنقل‌شد.

۸خبر نیز تحت‌عنوان «خبرگزاری‌ها» گزارش می‌دهند... قرائت شد کـه بنابسابقه باید از همان «پرس» های معلوم‌الحال باشد.

این سیر صعودی دردام ارگان‌های تبلیغاتی امپریالیستی و صهیونیستی افتادن خطرناك است، درخط امام‌نیست، با انقلاب ما نمی‌خواند.

نام خبرگزاری	ساعت ۸	ساعت ۱۴	ساعت ۲۰
فرانسه	۱	۶	۱
خبرگزاری‌ها	۱	۱	۶
رویتر	—	۱	۱
یونایتدپرس	—	۱	۱
آسوشیتدپرس	—	۱	۱

رویدادهای جهان

جاسوس دستگیرشده مصری در افغانستان اعتراف میکند

یك جاسوس مصری بنام‌ضیاءالدین ، که بوسیله‌ماموران افغانی‌درخاك‌این کشوربازداشت شده بود،دریك مصاحبه مطبوعاتی درکابل‌شرکت کرد .ضیاءالدین گفت که‌قبل‌ازورود‌به‌افغانستان در یك موسسه سازمان‌جاسوسی‌سیا در آلمـان فدرال آموزش دیده وسپس‌برای «کمك» بـه باندهای افغانی به‌پاکستان فرستاده شده است. ضیاءالدین اضافه‌کردکه چندهفته پیش ازطرف سازمان سیا به افغانستان‌اعزام شده تادر باره آرایش نیروهای افغانستانی اطلاعاتی بـدست آورد ودرعین حال با چندتن از «مخالفان» در نواحی مرزی باپاکستان تماس‌بگیرد.

کمك نظامی امریکا به‌اسرائیل ادامه خواهد یافت

برغم‌اعتراضات‌گسترده درخارج،دارودسته صهیونیست اسرائیل تصمیم‌گرفته‌است که‌هزاران مترمربع اززمین‌های اعـراب را در اطـراف بیت‌المقدس برای ساختن‌آبادیهای یهودی‌نشین اختصاص‌دهد. تصمیم‌دولت اسرائیل‌نشانه‌دیگری از سیاست سرکـوب و فشار اعراب بـوسیله صهیونیستها است. درکرانه غربـی‌رود اردن و نوار غزه نیز دهها آبادی باغـصب زمینـهای فلسطینی‌ها ایجاد میشود. واشنگتن حامی اصلی اسرائیل، دربرابر این تصمیم اخیر تـل‌آویو روش ریاکارانه درپیش‌گرفته است. دولت‌امریکا ازیك‌طرف روش اسرائیل‌را موردانتقاد قـرار داد، اماتاکیدکردکه کمك‌های هنگفت نظامی به اسرائیل برای «حفظ امنیت این‌کشور» (!) ادامه خواهد یافت.

وزیرخارجه‌افغانستان: دخالت‌امریکا، پاکستان‌وچین‌درامرداخلی‌افغانستان صلح‌جهانی رابخطر می‌اندازد

شاه‌محمد دوست، وزیرخارجه افغـانستان، درمسکو باآندره‌گرومیکو، وزیر خارجه اتحاد شوروی، مذاکراتی پیرامون مسایل جهانی و روابط دوکشور انجـام‌داد. شاه محمـد دوست هنگام عزیمت‌به‌کشورخودگفت‌که این‌مذاکرات به‌تحکیم روابط خلقها ودولتهای دوکشورکمك کرده‌است. ازسوی دیگرشاه‌محمددوست‌درنامه‌ای به‌سازمان ملل‌متحد،که بعنوان سندرسمی دراین سازمان منتشرشده است، هشدارداده که مداخله امپریالیسم آمریکا، پاکستان وبرتری طلبان چینی درامور افغانستان صلح‌جهانی را بخـطر می‌اندازد.

دراین‌میان‌محمدرفیع،وزیردفاع‌افغانستان، اعلام‌کرد این‌ادعاکه گـویا اتـحادشوروی میخواهد ازطریق افغانستان به‌خلیج فارس‌دست یابد، اباطیل محض است. وزیر دفاع افغانستان گفت کـه ارتش افغانستان مـی‌تواند از عهده ضدانقلاب داخلی برآیدوهیچ‌ناحیه‌ای نیست‌که زیرکنترل‌ارتش خلق نباشد. امامسئله حمله از خارج به‌افغانستان است.

شورای وزیران آفریقا در اجلاس خود در آدیس‌آبابا خواستار اتحاد نیروهای ترقیخواه زیمبابوه شد

کشورهای‌ترقیخواه آفریقایی‌اخطارکردند که اگرعلیه زیمبابوه مستقل تجـاوزی صورت گیرد، بـه خلق این‌کشور در دفع تجاوزکمك خواهندکرد. ازسوی دیگردر سالیسوری اعلام شدکه استقلال زیمبابوه رسماًدرنیمه دوم‌آوریل اعلام میشود. رابرت‌موگابه اعلام‌کرده است‌که لغوتدریجی قوانین تبعیض‌نژادی و سروسامان دادن‌به‌وضع‌زحمتکشان‌واقتصادکشوردردرجه‌اول اهمیت قراردارد. موگابه تاکیدکردکه عدم‌تعهد مثبت وعدم‌الحاق به اتحادیه‌های‌نظامی ومبارزه علیه‌آپارتاید سیاست‌کشوراست وزیمبابوه‌روابط حسن همجواری بـا همسایگان برقرار میکند. موگابه تاکیدکردکه دستمزد زحمتکشان‌متعادل خواهد شد وکارگران درکنترل‌تولیدات شرکت خواهندکرد.

مصر بسرعت به یك پایگاه عمده امپریالیسم آمریکا در منطقه تبدیل میشود

به‌گزارش روزنامه نیویورك‌تایمز، آمریکا محرمانه چند فروند هواپیمای آواکس (رادار پرنده) درمصر مستقرکـرده است، دستگاههای این هواپیماهـا برای کنترل عملیات احتمالی نـاوهای آمریکایی مستقردرنزدیکی سواحل ایران مناسب است. از سوی دیگرگفته میشود که عده‌ای ازنظامیان آمریکایی نیز وارد مصر شده‌اند. ماه پیش خبر رسیده بودکـه نظامیان آمریکایی و مصری دریك مانور مشترك شرکت کرده‌اند. ازسوی دیگرروزنامه‌کویتی «القبس» خبرداد‌که هزار وهشتصدتفنگداردریایی‌آمریکا، که‌راهی خاورمیانه‌شده‌اند، درپایگاه مصیره در عمان مستقرمیشوند.

حقوقدانان فلسطینی: اتحادشوروی برای دفع تجاوز امپریالیستی بـه افغانستان کمك کرده است

هیئتی ازحقوقدانان خارجـی اخیراً از افغانستان دیدن‌کرد. ابراهیم‌الشاعر، حقوقدان فلسطینی، که دراین هیئت عضویت داشت،گفت که درجریان دیدار از افغانستان دریافته است که اخبار رسانه‌های‌گروهی امپریالیستی درباره این‌کشور سراپادروغ‌ومسخره است محمدالشاعر گفت‌که نیروهای افغانـی حفظ نظم داخلـی را بعهده دارند وروابط افغانستان وشوروی‌بسیار دوستانه‌است‌وشوروی‌برای‌دفع‌تجاوزامپریالیستی به‌افغانستان‌کمك‌کرده‌است.یك‌حقوقدان‌فنلاندی نیزگفت‌کـه اوضاع افغانستان تحـولات بسیار مثبتی را نشان میدهد.

مقاومت مردم مصر در برابر خیانت سادات به‌خلقهای عرب،اوج‌میگیرد

خبرگزاری لیبی‌گزارش میدهد کـه عده زیادی ازمردم قاهره درمقابل سفارت اسرائیل در این شهرتظاهرات گسترده‌ای برپاکردنـد. تظاهرکنندگان به‌سفارت حمله نمودند وتـلاش کردند پرچم اسرائیل را به‌آتش بکشند.صدها مامور پلیس وسرباز برای متفرق‌کردن تظاهر کنندگان وارد صحنه شدند وعده‌زیادی‌ازتظاهر کنندگان مجروح و بازداشت شدند.

اطلاعیه رسمی‌شرکت‌ملی نفت‌ایران در مورد ملاقات هیئت نمایندگی اتحادجماهیرشوروی و وزیرنفت‌ایران

اطلاعیهٔ رسمی ذیل ، دیروزبدست مارسید وبنظر میرسدکه چندی از موعدآن‌گذشته‌باشد ما بخاطر اهمیت مطلب عینا به درج‌آن اقدام می‌کنیم:

اطلاعیه

هیئت نمایندگـی اتحـاد جماهیر شوروی بریاست آقای اوسی‌پف‌معاون وزارت‌بازرگانی خارجی شوروی ومعاونت آقای درژوف معاون وزارت صنایع‌گاز شوروی‌که برای مذاکرات مربوط به‌قیمت‌گاز ونحوه صدورآن‌به‌شوروی‌به تهران آمده‌اند در وزارت نفت‌حضور یافتـه و اولین جلسه مذاکرات راباحضور وزیـر نفت جمهوری اسلامی‌ایران وآقای‌اعتمادازمدیران شرکت‌ملی‌گاز ایران آغاز نمودند . در ایـن جلسه گفتگوهائی‌پیرامون توسعه روابط‌دوستانه بین دوکشور انجام‌گرفت وضمن‌آن وزیر نفت جمهوری اسلامی ایران تاکید نمودصحیح‌نیست که ملت ایران تصور نماید کـه دولت شوروی همان رفتاری‌راباملت‌ایران‌میکندکه‌امپریالیسم امریکا میکرد . بنابراین باید معامله بیـن ایران وشوروی بصورت معامله دوکشورمستقل باشد‌واضافه نمودکه جنبه سیاسی این معاملـه از جنبه اقتصادی آن بمراتب مهم‌ترمیباشد.

هیئت شوروی ضمن تائیداین‌نظربه‌اظهار داشتند درعین‌حال قیمت‌گازباید عادلانه وبـود طرفین باشد . پیش‌بینی میشود مذاکرات هیئت نمایندگی شوروی باهیئت ایرانی‌چندروزادامه داشته باشد.

نمایشگاه ضدامپریالیستی درکاشان

در اوائل اسفندماه نمایشگاه عکسی از مبارزات ضدامپریالیستی خلقها و نیز سالروز انقلاب درکاشان برپاگردیدکه بااستقبال فراوان مردم روبروشد.

با اتکا به‌پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم